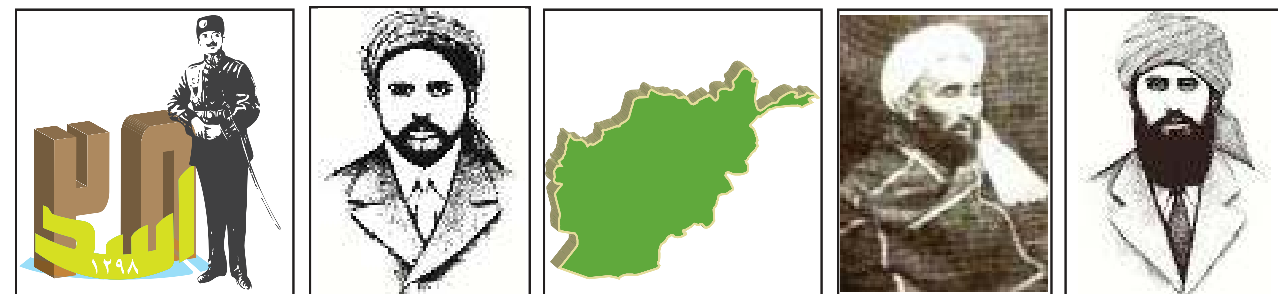


وزارت معارف

وطندوستی

صنف ۷





۱۲۹۸

۱۳۹۸ هـ . ش.



سرود ملی

دا وطن افغانستان دی
کور د سولې کور د تورې
دا وطن د ټولو کور دی
د پښتون او هزاره وو
ورسره عرب، گوجر دي
براهوي دي، قزلباش دي
دا هیواد به تل ځلیږي
په سینه کې د آسیا به
نوم د حق مو دی رهبر

دا عزت د هر افغان دی
هر بچی یې قهرمان دی
د بلوڅو د ازبکو
د ترکمنو د تاجکو
پامیریان، نورستانیان
هم ایماق، هم پشه یان
لکه لمر پر شنه آسمان
لکه زړه وي جاویدان
وایو الله اکبر وایو الله اکبر

بسم الله الرحمن الرحیم



وزارت معارف

وطندوستی

صنف ۷

سال چاپ: ۱۳۹۸ هـ .ش.



مشخصات کتاب

مضمون: وطندوستی

مؤلفان: گروه مؤلفان کتاب‌های درسی بخش علوم اجتماعی نصاب تعلیمی

ویراستاران: اعضای دیپارتمنت ویراستاری و ایدیت زبان دری

صنف: هفتم

زبان متن: دری

انکشاف دهنده: ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی و تالیف کتب درسی

ناشر: ریاست ارتباط و آگاهی عامهٔ وزارت معارف

سال چاپ: ۱۳۹۸ هجری شمسی

مکان چاپ: کابل

چاپخانه:

ایمیل آدرس: curriculum@moe.gov.af



پیام وزیر معارف

اقرأ باسم ربک

سپاس و حمد بیکران آفریدگار یکتایی را که بر ما هستی بخشید و ما را از نعمت بزرگ خواندن و نوشتن برخوردار ساخت، و درود بی‌پایان بر رسول خاتم- حضرت محمد مصطفی ﷺ که نخستین پیام الهی بر ایشان «خواندن» است.

چنانچه بر همه‌گان هویداست، سال ۱۳۹۷ خورشیدی، به نام سال معارف مسمی گردید. بدین ملحوظ نظام تعلیم و تربیت در کشور عزیز ما شاهد تحولات و تغییرات بنیادینی در عرصه‌های مختلف خواهد بود؛ معلم، متعلم، کتاب، مکتب، اداره و شوراهای والدین، از عناصر شش‌گانه و اساسی نظام معارف افغانستان به شمار می‌روند که در توسعه و انکشاف آموزش و پرورش کشور نقش مهمی را ایفا می‌نمایند. در چنین برهه سرنوشت‌ساز، رهبری و خانوادۀ بزرگ معارف افغانستان، متعهد به ایجاد تحول بنیادی در روند رشد و توسعه نظام معاصر تعلیم و تربیت کشور می‌باشد.

از همین‌رو، اصلاح و انکشاف نصاب تعلیمی از اولویت‌های مهم وزارت معارف پنداشته می‌شود. در همین راستا، توجه به کیفیت، محتوا و فرایند توزیع کتاب‌های درسی در مکاتب، مدارس و سایر نهادهای تعلیمی دولتی و خصوصی در صدر برنامه‌های وزارت معارف قرار دارد. ما باور داریم، بدون داشتن کتاب درسی باکیفیت، به اهداف پایدار تعلیمی در کشور دست نخواهیم یافت.

برای دستیابی به اهداف ذکرشده و نیل به یک نظام آموزشی کارآمد، از آموزگاران و مدرسان دلسوز و مدیران فرهیخته به‌عنوان تربیت کننده‌گان نسل آینده، در سراسر کشور احترامانه تقاضا می‌گردد تا در روند آموزش این کتاب درسی و انتقال محتوای آن به فرزندان عزیز ما، از هر نوع تلاشی دریغ نورزیده و در تربیت و پرورش نسل فعال و آگاه با ارزش‌های دینی، ملی و تفکر انتقادی بکوشند. هر روز علاوه بر تجدید تعهد و حس مسؤولیت پذیری، با این نیت تدریس راآغاز کنند، که در آیندۀ نزدیک شاگردان عزیز، شهروندان مؤثر، متمدن و معماران افغانستان توسعه یافته و شکوفا خواهند شد.

همچنین از دانش آموزان خوب و دوست داشتنی به مثابه ارزشمندترین سرمایه‌های فردای کشور می‌خواهم تا از فرصت‌ها غافل نبوده و در کمال ادب، احترام و البته کنجکاوی علمی از درس معلمان گرامی استفادۀ بهتر کنند و خوشه چین دانش و علم استادان گرامی خود باشند.

در پایان، از تمام کارشناسان آموزشی، دانشمندان تعلیم و تربیت و همکاران فنی بخش نصاب تعلیمی کشور که در تهیه و تدوین این کتاب درسی مجدانه شبانه روز تلاش نمودند، ابراز قدردانی کرده و از بارگاه الهی برای آن‌ها در این راه مقدس و انسان‌ساز موفقیت استدعا دارم.

با آرزوی دستیابی به یک نظام معارف معیاری و توسعه یافته، و نیل به یک افغانستان آباد و مترقی دارای شهروندان آزاد، آگاه و مرفه.

دکتور محمد میرویس بلخی

وزیر معارف



فهرست





درس اول

ستایش خداوند متعال

ای همه هستی ز تو پیدا شده — خاك ضعیف از تو توانا شده

زیر نشین علمت کاینات — ما به تو قایم چو تو قایم به ذات

هستی تو صورت و پیوند نی — تو به کس و کس به تو مانند نی

آنچه تغیُّر نپذیرد تو یی — و آنکه نمرده ست و نمیرد تویی

ما همه فانی و بقا بس تو را — ملك تعالی و تقدس تو را

هر که نه گویا به تو خاموش به — هر چه نه یاد تو فراموش به

روشنی عقل به جان داده ای — چاشنی دل به زبان داده ای

منزل شب را تو دراز آوری — روز فرو رفته تو باز آوری

بنده نظامی که یکی گوی تست — در دو جهان خاك سر کوی تست

خاطرش از معرفت آباد کن — گردنش از دام غم آزاد کن

نظامی گنجوی



شرح

نظامی گنجوی که یکی از سخنوران نامور و شاعران بزرگ ادبیات زبان دری به شمار می‌رود، در ابیات بالا یکی از عمیق‌ترین و پرسوزترین ستایش‌ها و نیایش‌ها را به درگاه اقدس الهی سروده است. وی در بیت اول، آفریدگار جهان را مخاطب قرار داده، می‌گوید: همهٔ مخلوقات به فرمان و قدرت لا یزالت لباس هستی پوشیدند و خاک نا چیز یعنی آدم از لطف و کرمت که در آن از روح خود دمیدی، توان پیدا کرد و متفکر و گویا شد. ورنه در اصل مشت خاکی بیش نبود.

در بیت دوم، می‌گوید: همهٔ موجودات هستی در زیر پرچم تو می‌زیند و ما انسان‌ها که جزئی از مخلو قات می‌باشیم به وجود تو زنده و استوار هستیم و وجود همهٔ ما به وجود تو نیازمند است؛ اما وجود تو به ذات خودت استوار بوده و به کسی و چیزی نیاز ندارد.

در بیت سوم، می‌گوید: ذات تو از داشتن شکل و اعضا پاک است و با هیچ کس رابطهٔ نسبی و خویشاوندی ندارد، هیچ کس مثل تو و تو مثل هیچ کس نیستی، یعنی بی‌مانند، بی‌همتا و یکتاستی.

در بیت چهارم، می‌گوید: تو هرگز دیگرگون نمی شوی و تغییر ناپذیر هستی و تو هرگز نمرده ای و نمی میری؛ بلکه زندهٔ جاویدی.

در بیت پنجم، می‌گوید: ما و همهٔ مخلوقات فانی می‌شویم و تنها ذاتی که پایدار، جاویدان و ماندنی است ذات اقدس تست، پادشاهی تو برتر و والا و مقدس و پاک است.

در بیت ششم، می‌گوید: هر کسی که یاد تو و ذکر تو را بر لب ندارد، بهتر است که خاموش باشد و هر چه که ترا به یاد نیاورد، بهتر است که فراموش شود، یعنی یک انسان واقعی باید همواره در ذکر خدا باشد و به هر کاری که اقدام می کند باید با یاد خدا آن را آغاز کند، ورنه از مسیر حقیقی انسانیت که همانا بنده‌گی پروردگار است، منحرف شده است.

در بیت هفتم، می‌گوید: ای خداوند دانا و توانا ! جان آدمی را با چراغ خرد، تو روشن کرده ای و سخن های شیرین و پر حکمتی را که از اعماق قلب بر می‌خیزد و گوش‌ها و جان‌ها را نوازش می‌دهد، تو به زبان آموختانده‌ای.

در بیت هشتم، می‌گوید: آمدن شب در پی روز و روز در پی شب از نشانه های قدرت تست. موجودات در هنگام روز به جنب و جوش و حرکت می‌افتند و از سفرهٔ نعمت تو روزی می‌خورند و در هنگام شب که پر از رمز و راز است به خواب فرو می‌روند و آرام می گیرند.



در بیت نهم و دهم، شاعر بنده‌گی، خاکساری و نیاز خود را به درگاه بی‌نیاز الهی اعلام می‌کند و با زبان شاعرانه می‌گوید: ای پروردگار توانای مهربان بی‌نیاز! این بندهٔ تو یعنی نظامی گنجوی که خود را خاک سرکوی تو می‌داند، همواره به یکتایی و وحدانیت تو گواهی می‌دهد، پس ای پروردگار عزیز بخشندهٔ مهربان! خاطر این بندهٔ خاکسار خود را با نور علم و دانش آباد کن. گردن او را از دام غم و اندوه برهان و قلبش را با لطف خویش شادمان نگه دار.



۱- شاگردان متن درس را به نوبت بخوانند.

۲- در مورد نشانه‌های قدرت خداوند ﷻ با همدیگر صحبت کنند.



۱- بیت‌های زیر را معنا نمایید:

ای همه هستی ز تو پیدا شده　　　خاک ضعیف از تو توانا شده

زیر نشین علمت کاینات　　　ما به تو قایم چو تو قایم به ذات

۲- مفهوم بیت زیر را بنویسید:

هستی تو صورت و پیوند نی　　　تو به کس و کس به تو مانند نی



در بارهٔ فضیلت ذکر خدا، مطلبی بنویسید که از پنج سطر کم نباشد.





اخلاق پیامبر اسلام ﷺ

اخلاق چیست؟ قبل از اسلام اخلاق مردم عرب و ملت‌های دیگر چگونه بود؟ پیامبر اسلامﷺ اخلاق مردم را چگونه تغییر داد؟ اخلاق پیغمبر ﷺ چگونه بود؟
در این درس برخی از صفات اخلاقی پیامبر اسلام را مطالعه می‌کنیم تا با اخلاق پیامبر محبوب خود آشنا شویم ونقش قدم او را در زنده‌گی خود تعقیب نماییم.

تعریف اخلاق

اخلاق در لغت، خوی، خصلت وطبیعت را گویند و در اصطلاح، اخلاق عبارت از صفت و یا خصلت جا به جا شده در نفس است که انسان به واسطهٔ آن به کارهای خوب و یا کارهای بد دست می‌زند.
پس اگر انسان دارای اخلاق خوب باشد، صفات خوب و کارهای شایسته از او سر می‌زند؛ مانند: راست گفتن، سلام دادن، ترحم داشتن، امانت‌دار بودن، کمک کردن و غیره؛ اما اگر یک شخص دارای اخلاق و طبیعت بد باشد، کارهای زشت و ناپسند از وی صادر می‌گردد؛ مانند: دروغ گفتن، دشنام دادن، دزدی کردن، خیانت کردن، ظلم کردن و امثال آن.



جایگاه اخلاق در اسلام

قبل از بعثت پیامبر ﷺ و ظهور دین اسلام، در میان اعراب وسایر ملت‌های روی زمین، اخلاق بد و نادرست رواج داشت و اخلاق خوب بسیار کم وجود داشت.

اما پیامبر بزرگوار اسلام که از جانب خداوند متعال برای نجات و رهنمایی بشریت فرستاده شده بود و قرآن کریم بر وی نازل گردید، همهٔ صفات اخلاقی بد و نا درست را به صفات و ارزش‌های عالی اخلاقی نیکو و پسندیده مبدل ساخت و بشریت را از گمراهی و بدبختی به‌سوی سعادت و رستگاری دنیا و آخرت هدایت و رهنمایی کرد.

پیامبر اسلام ﷺ به همهٔ انسان‌ها اعلام نمود که مِن برایِ پخش و نشر مکارم اخلاق مبعوث گردیده ام، چنانکه فرمود: « إِنَّمَا بُعِثْتُ لأُتَمِّمَ مَكَارِمَ الأَخْلاَقِ » یعنی: همانا من به خاطر این مبعوث شده ام تا مکارم اخلاق را کامل سازم.

در این حدیث شریف پیامبر خدا مقصد اساسی بعثت و رسالت خود را تعلیم و تقویت اخلاق نیکو معرفی نموده است؛ پس اخلاق، رکن اساسی دین مقدس اسلام به شمار می‌رود؛ زیرا تعلیمات اسلام به صورت عموم شامل سه بخش است: عقاید، احکام و اخلاق. عقاید باورهای انسان را درست می کند، احکام کردار انسان را تنظیم می‌نماید و اخلاق طبیعت و سلوک انسان را آراسته می‌سازد.

چند نمونه از اخلاق پیغمبر ﷺ

• ام المؤمنین عائشه (رضی الله عنها) فرموده است: «اخلاق پیغمبر ﷺ قرآن کریم بود». به این معنا که زنده‌گی پیغمبر ﷺ تطبیق عملی احکام و تعلیمات والای قرآن کریم بود. پس هر مسلمانی که قرآن کریم را تلاوت نماید و آن را خوب بفهمد، می‌تواند اخلاق پیامبر گرامی اسلام را بهتر بشناسد و به آن عمل کند. در زیر طور مثال به چند نمونه از اخلاق پیامبر گرامی اسلام ﷺ اشاره می‌نماییم:



• پیغمبر ﷺ راستگوترین همهٔ انسان‌ها بود؛ از دروغ بسیار نفرت داشت و همه را به راستگویی امر می کرد و می‌فرمود که مسلمان هرگز دروغ نمی گوید، چنانکه فرمود: «راستگویی نجات می‌دهد و دروغگویی هلاک می‌سازد».

• پیغمبر ﷺ با حیاترین انسان‌ها بود؛ مسلمانان را به رعایت حیا دستور می‌داد و از بی‌حیایی منع می کرد و می‌فرمود: «حیا جزء ایمان است».

• پیغمبر ﷺ امانت‌دارترین انسان‌ها بود و حتی در میان مشرکین و دشمنانش به «امین» مشهور بود؛ مسلمانان را به امانت‌داری توصیه می کرد و از خیانت برحذر می‌ساخت،



طوری که فرمود: «کسی که امانت‌دار نباشد، ایمان ندارد».

• پیغمبرﷺ سخاوتمندترین انسان‌ها بود؛ هرچه در اختیار می‌داشت به دیگران کمک می‌کرد، چنانکه فرمود: «بهترین انسان‌ها کسانی اند که به دیگران کمک و نفع می‌رسانند».



شاگردان با رهنمایی معلم محترم، راجع به نمونه هایی از اخلاق دورۀ جاهلی که پیامبر اسلامﷺ آن را تغییر داد ابراز نظر کنند.



۱- اخلاق را در لغت و در اصطلاح تعریف کنید.

۲- قبل از بعثت پیامبر گرامی اسلام وضعیت اخلاق در میان مردم عرب و دیگر ملت‌های روی زمین چگونه بود؟ با ذکر بعضی مثال‌ها توضیح دهید.

۳- مقام اخلاق را در رسالت پیغمبرﷺ و در تعلیمات اسلام به‌صورت مختصر تشریح کنید.

۴- این قول ام المؤمنین عائشه رضی الله عنها که می‌گوید: «اخلاق پیغمبرﷺ قرآن کریم بود.» چه مفهوم دارد و به چه دلالت می‌کند؟

۵- در بارۀ صفات اخلاقی راستگویی، حیا، امانت‌داری و سخاوتمندی پیامبرﷺ با استفاده از احادیث نبوی ذکر شده در درس استدلال کنید.



هر شاگرد راجع به صفت اخلاقی «امانت‌داری» پیامبرﷺ یک مقالۀ کوتاه بنویسد.





قدامت تاریخی افغانستان

کشور عزیز ما در طول تاریخ چندین هزار سالهٔ خویش همگام با تمدن جامعهٔ بشری، تمدن آریانای کهن و تمدن با شکوه اسلامی را در خود پرورش داده و تجربه کرده است.
افغانستان، در طول تاریخ فرازها و نشیب‌های زیادی را دیده است، گاهی دامنهٔ حاکمیت سیاسی‌اش وسعت یافته و زمانی هم مورد هجوم و نفوذ قدرت‌های منطقه و جهان قرار گرفته، از نظر قلمرو جغرافیایی کوچک شده است. در این درس می کوشیم تا با افغانستان قبل از اسلام و بعد از اسلام به طور فشرده و مرحله وار آشنا شویم.

افغانستان قبل از اسلام

سرزمین آریانا که قسمتی از آن امروز افغانستان نامیده می‌شود و ما در آن زنده گی می کنیم، از جانب غرب به قسمت‌های شرقی دشت‌های ایران، از شرق به دریای سند، از شمال به وادی‌های شمالی دریای آمو و از جنوب به بحیرهٔ عرب منتهی می گردید.
قبل از ورود و انتشار اسلام در وطن ما، سلسله‌ها و خاندان‌هایی؛ چون: پیشدادیان، کیانیان، خاندان اسپه، کوشانی‌ها و یفتلی‌ها حکومت داشتند. در فاصلهٔ میان خاندان اسپه تا کوشانی‌ها، هخامنشی‌ها و یونانی‌ها به کشور ما هجوم آوردند و آن را زیر سیطرهٔ خویش



قرار دادند، تا این‌که به سبب مبارزهٔ مردم ما مضمحل گردیدند و کوشانی‌ها دوباره زمام امور کشور را بر عهده گرفتند. با ضعیف شدن کوشانی‌های بزرگ، یفتلی‌ها به قدرت رسیدند و در اخیر دورهٔ یفتلی‌ها که کوشانی‌های کوچک هم به شکل محلی حکومت داشتند، کشور ما از طرف شرق، غرب و شمال توسط موریایی‌ها، ساسانی‌ها و اقوام ترک تبار مورد تهاجم قرار گرفت و در داخل، حاکمان محلی به ظلم و استبداد خود بالای مردم شدت بخشیدند، تا این‌که وطن ما در پرتگاه بدبختی و تاریکی سقوط کرد و مردم با فقر و تنگدستی شدید مواجه گردیدند، در این زمان بود که نور اسلام به سرزمین ما تابید.

افغانستان بعد از اسلام

با ورود و انتشار دین مقدس اسلام - در قرن هفتم میلادی- در کشـور ما، تحول بزرگ در زنده‌گی مردم ما رونما گردید؛ زیرا اسلام به مردم ما هویت جدید اسلامی داد و وحدت و یگانه‌گی بخشید و دروازه‌های علوم را بر روی مردم ما گشود. بالمقابل افغان‌ها نیز از طریق ارائهٔ خدمات علمی و فرهنگی و ایثارگری در راه انتشار اسلام، در رشد و انکشاف تمدن و فرهنگ اسلامی سهم فعال و خوبی گرفتند.

روی کار آمدن حکومت‌های مستقل اسلامی

با روی کار آمدن حکومت‌های مستقل اسلامی در افغانستان به ترتیب سلسله‌های طاهریان، صفاریان، سامانیان، غزنویان، سلجوقیان، غوریان و خوارزم شاهیان، با وجود شرایط ناگوار آن زمان، در بنای تمدن اسلامی هر کدام به نوبت خود سهم ارزشمندی گرفتند.

در قرن ۱۳ میلادی با روی‌کار آمـدن چنگیز و شکست آخرین پادشاه خوارزم شاهی و روی کار آمدن مغول‌ها وطن ما باز هم به هرج مرج، بی‌ثباتی و انحطاط مواجه شد تا اینکه نوبت به شاهرخ و سلطان حسین بایقرا که از نواده‌های امیر تیمور گورگانی بودند رسید.



در این عصر افغانستان دوباره به سوی ترقی و پیشرفت گام نهاد و فرهنگ و هنر توسعه یافت. با وفات سلطان حسین بایقرا، نفاق و خانه جنگی دامنگیر مردم افغانستان شد تا این‌که میرویس خان هوتکی با یک قیام مردمی دست صفوی‌ها را از افغانستان کوتاه ساخت. میرویس نیکه نه تنها کشور را از زیر سلطهٔ صفویان نجات داد؛ بلکه مدت ۸ سال طور مستقل به حیث بزرگ قوم به خوبی وطن را اداره



نمود. با وفات میرویس نیکه نظامی که ایشان بنیانگذاری کرده بود به وسیلۀ جانشینانش تعقیب نگردید و وطن دچار اضمحلال و فرو پاشی گردید تا اینکه احمد شاه بابا در سال ۱۷۴۷م. در جرگۀ شیر سرخ، زمام امور را به دست گرفت و کشور به نام افغانستان مسمی گردید و سرحدات آن دوباره به تدبیر وی احیا شد.

با وفات احمد شاه بابا و روی کار آمدن جانشینانش نه تنها آتش اختلافات داخلی زبانه کشید بلکه وطن به ضعف گرایید و از هر طرف مورد تهاجم اشغال‌گران قرار گرفت و قسمت‌هایی از پیکرش جدا ساخته شد.

استرداد استقلال کشور در زمان امان الله خان

پس از این‌که امان الله خان به قدرت رسید، اولین اقدام ایشان اعلان استقلال افغانستان از استعمار انگلیس بود و به اثر حمایت، مجاهدت و جانفشانی مردم در سال ۱۹۱۹م. / ۱۲۹۸ هـ.ش. استقلال کشور دوباره حاصل و مردم ما صاحب سر نوشت خویش گردیدند و در راه رشد و ترقی گام نهادند؛ اما در اثر مداخلات بیرونی دوباره در وطن ما بی ثباتی و نا امنی به وجود آمد که سر انجام محمد ظاهر شاه به قدرت رسید. در دورۀ چهل سالۀ محمد ظاهر شاه گرچه اقدامات قابل توجهی در ساحات زراعتی، صنعتی، فرهنگی و اداری کشور صورت نگرفت؛ اما کشور در آرامش و استقلال زنده‌گی می‌کرد.

کودتای ۷ ثور و اثرات سوء آن

با کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ هـ.ش. زمینه‌های نفوذ فرهنگ بیگانه در وطن مهیا گردید و سرزمین ما توسط اتحاد شوروی اشغال شد. مردم ما در یک رستاخیز همگانی علم جهاد را بر افراشتند و با قبول تلفات و خسارات هنگفت، شوروی‌ها را از خاک خود بیرون راندند؛ اما در اثر مداخلات خارجی و جنگ‌های داخلی، کشور ما سخت آسیب دید.

به هر حال، از لابه لای اوراق تاریخ کشور این درس را می‌آموزیم که هر زمانی وطن مورد تجاوز قرار گرفته و آزادی کشور به مخاطره افتیده، همۀ افغان‌ها بدون در نظرداشت اختلافات سلیقه‌یی و قومی، متحدانه علیه تجاوز به مقابله پرداخته و به متجاوزین درس عبرت داده اند که مجاهدت و جان نثاری مردم ما، در سه نبرد افغان و انگلیس و هجوم روس‌ها در ۶ جـدی ۱۳۵۸ هـ. ش. گواه این مدعا ست.

از این‌رو، بر ماست تا از این میراث گرانبها (وطن) که به قیمت خون اجداد و نیاکان به ما به امانت مانده نه تنها با پایمردی حفاظت و حراست نماییم؛ بلکه لازم است تا در ترقی و



انکشاف آن سهم فعال بگیریم تا کشور ما در قطار کشورهای پیشرفته و متمدن جهان قرار گیرد و مردم ما با سر بلندی زنده‌گی نمایند.



- شاگردان به گروه‌های پنج نفری تقسیم شده، هر گروه دربارهٔ مطالب زیر باهم بحث نمایند.
- افغانستان باستان کدام قسمت‌ها را شامل بود؟
- قبل از ورود اسلام به افغانستان کدام سلسله‌ها در افغانستان حکومت می کردند؟



۱- با ورود و انتشار اسلام در افغانستان چه تحول بزرگی به میان آمد؟
۲- سلسله‌هایی را که بعد از ورود اسلام به افغانستان روی کار آمدند فهرست نمایید.
۳- احمد شاه بابا در چه شرایطی زمام امور کشور را به دست گرفت؟ مختصراً توضیح دهید.



در مورد مزایای وحدت ملی، مطلبی بنویسید که از پنج سطر کم نباشد.



در وصف زیبایی‌های وطن

وطن ای نکو نامت افغانستان — هوایت خوش و منظرت دلستان
روان‌بخش دل‌هاست بوم و برت — سر الفت ما و خاك درت
هوایت به هر طبع شد سازگار — که داری به هر گل زمین لاله زار
زبس دارد از گردش دهر یاد — لقب یافت بلخ توام البلاد
به عالم بلند است نام هرات — می علم و عرفان به جام هرات
بدخشانت از لعل شد سرخرو — بود معدن لاجورد اندرو
چه خوش فیض جاریست با هیرمند — که تازه است از او مزرع کشتمند
ثمر خیز از بس بود قندهار — خجل ساوه را می‌کند از انار
گرشک و فراه تو معمور باد — زخاکت پراگندگی دور باد
سخن ساز کردم چو از غزنه ات — سپهر برین می‌شود فتنه ات
زمین و فضای کابل پر گلت — جهان مست و شیدا ست چون بلبلت
فلك در کمین گزندت مباد — تزلزل به کاخ بلندت مباد
ز خدمتگزاری اولاد تو — عمارت فزاید به بنیاد تو

قاری عبدالله رحمه الله



توضیحات:

بوم: مأوی، زمین، سرزمین، شهر
بر: زمین خشک، بیابان، صحرا
گردش دهر: گذشت شب و روز
ام البلاد: مادر شهرها
سپهر برین: آسمان بلند، فلک
شیدا: دل داده
گزند: آسیب، ضرر



شاگردان با استفاده از متن درس در مورد مزایای تاریخی و زیبایی‌های طبیعی وطن عزیز ما به شکل گروهی با هم مباحثه نمایند.



- کلمات زیر را شرح کنید:

ام البلاد، عرفان، سپهر، گزند، تزلزل.

- این بیت را معنا کنید:

فلک در کمین گزندت مباد   تزلزل به کاخ بلندت مباد

- خدمتگزاری به وطن چگونه سبب آبادی کشور می‌شود؟



شاگردان در مورد اهمیت تمدنی و تاریخی غزنی و اینکه چرا به حیث پایتخت فرهنگی جهان اسلام برگزیده شد مقاله‌یی بنویسند که از ده سطر کم نباشد.




درس پنجم

وطندوستی

وطند وستی احساسی است که به‌طور فطری وذاتی در نهاد هر انسانی وجود دارد. ما همان گونه که در آغوش مادر احساس آرامش می‌نماییم، در دامن پاک سرزمین خویش نیز می‌توانیم عین احساس را داشته باشیم. ما در هوای وطن نفس می کشیم، از آب و خاک آن بهره ور می گردیم و به کسب علم و دانش می‌پردازیم. وطن، منبع خاطرات ما و مرجع آرزوهای ما است.

وطن هویت ما را مشخص می کند و باعث عزت و کرامت ما می‌شود. کسی که وطن ندارد، خوار و ذلیل می گردد و در چشم دیگران محترم شمرده نمی‌شود. از این جهت است که هر کس وطن خود را دوست دارد. ما هم وطن خویش را از دل و جان دوست می‌داریم.

پیغمبر بزرگوار اسلام حضرت محمدﷺ هم‌وطن خود را دوست می‌داشتند. زمانی که کفار عرصۀ زنده گی را در مکه برای آن حضرت تنگ کردند و ایشان مجبور به ترک آن دیار و هجرت به مدینۀ منوره گردیدند، حین خروج از مکۀ مکرمه، رو به آن شهر نموده، بادل پر از حسرت چنین گفتند: قسم به خدا که تو محبوبترین سرزمین‌های روی زمین هستی و اگر قومت مرا اخراج نمی کردند هرگز ترا ترک نمی گفتم و به جای دیگری نمی‌رفتم.



عبدالعلی مستغنی(رح) شاعر برجسته و خوش قریحه که جزء مفاخر ملی و فرهنگی کشور ما به حساب می‌رود، در اشعار بدیع و لطیف خود بهترین عواطف رقیق یک انسان شیفتهٔ وطن را به نمایش گذاشته است. بیایید با خواندن اشعار دلکش مستغنی عواطف وطندوستانهٔ خود را صیقل بدهیم.

نی از گل و نی از چمن ســـرایم   نی از سنبل و نی از سمن ســـرایم
هـر گــــاه کـه من سخن سرایم   اوصـــاف تـو ای وطـــن! سرایم

ای هســـتی و ای وجـــودم از تو!
ای رشتــهٔ تــار و پــودم از تــو!

ای بـاغ و بهـــار و ای بـهشتـــم!   ای روز نـخست ســـــر نوشـتم!
مهـــر تو به جان و دل ســـرشتم   تخـــــم عشقت به سینـــه کشتم

چشـــــم اول رخ تو دیــــده
گـوشـــم سخـــن ترا شنیـده

آن کـس کـه نخواهـــد آبرویت   آن دل کـــه نـدارد آرزویـــــت
آن سر که نگشت خاک کـــویت   آن چشم کـــه نیست محو رویت

با محنـــت و غـــم قریب بـــادا!
از عیـــش تو بی نصیـــب بـــادا!

بـدخـواهـت اگـــر نماید آهنگ   سازیم جهـــان به دیده اش تنگ
کوبیم ســــرش چو مار بر سنگ   ســازیم زمین ز خـــون او، رنگ

با راحت و خواب و خور نسازیم
تـا از وطـنش بـدر نســـازیـــم

عبدالعلی مستغنی

شرح ابیات

شاعر، در دوبیت اول و دوم، می‌گوید: زمانی که من به عنوان یک شاعر باشعور بخواهم شعری بسرایم، اولین چیزی که در ذهنم برای این منظور، خطور می‌کند، وطنم می‌باشد. از این جهت من در اوصاف چمن و گل‌های گوناگون؛ مانند: سنبل و سمن و غیره شعر نخواهم سرود؛ بلکه در ستایش و بیان خوبی‌های وطنم خواهم سرود. هدف شاعر این است که وطن نزد من از هر چمن زیبا و از هر گل زیبا، زیبا تر و قشنگ‌تر است. شاعر، پس از آن وطن را مخاطب قرار داده می‌افزاید که: وجود و هستی من و تار و پود زنده‌گی



من از تست؛ یعنی خداوند متعال مرا در دامان تو آفرید و ترا وسیلۀ زنده‌گی و بالنده‌گی من قرار داد.

در بیت‌های چهارم، پنجم و ششم، شاعر، وطن را به باغ و بهار و بوستان تشبیه کرده، خاطرنشان می‌سازد که خداوند مهربان در روز اول، سرنوشت مرا چنین نوشته بود که در دامن تو به دنیا بیایم؛ از این جهت من عشق ترا در اعماق جان و دل خود، پرورانده ام و بذر محبت جوشان ترا در سینه ام کاشته ام؛ زیرا اولین بار پس از ولادت که چشمم را گشودم، رخ ترا دیدم و نخستین بار که گوشم به فعالیت آغاز کرد، صدای(آبشارها و پرنده های) ترا شنیدم.

در بیت‌های هفتم، هشتم و نهم، شاعر دست دعا بلند کرده، می‌گوید: هرکس که آبروی ترا نخواهد و هرکس که در قلمرو تو به عنوان یک هموطن زنده‌گی می‌کند؛ ولی در آرزوی رفعت و بلندی تو نیست و سر خود را فدای آزادی و آبادیت نمی‌کند و چشمش در برابر زیبایی هایت خیره نمی‌شود، قرین غم و محنت شده، از زنده‌گی در آغوشت محروم گردد.

در بیت‌های دهم، یازدهم و دوازدهم، شاعر به عنوان یک انسان آزاده و میهن‌دوست، به دشمنان وطن، هشدار می‌دهد و در خطاب به وطن می‌گوید: اگر دشمن بدخواهی، قصد حمله به خاک ترا نماید، ما چنان در برابرش ایستاده‌گی می‌کنیم تا مغلوبش کنیم و جهان را در نظرش تنگ و تاریک سازیم، ما سرش را همچون مار در سنگ می‌کوبیم و زمین را از خونش رنگین و سرخ می‌سازیم.

بلی، ما تا آن دشمن بدخواه، تجاوزگر و کینه توز را از خاک وطن بیرون نکنیم و دور نرانیم، هرگز آرام نخواهیم نشست و خواب و خوراک را بر خود حرام خواهیم کرد.



۱. شاگردان متن شعر را بخوانند وکلمات دشوار درس را بیرون نویس نموده، با همکاری استاد محترم معنا کنند.





۱. متن درس در بر گیرندۀ چی پیامی است؟

۲. چرا ما وطن خود را دوست داریم؟

۳. چگونه می‌توان برای وطن و مردم خود خدمت نمود؟



شاگردان با استفاده از پیام شعر، مطلبی بنویسند که از پنج سطر کم نباشد.





استاد خلیل الله خلیلی
(۱۲۸۶-۱۳۶۶ هـ . ش.)

افغانستان زادگاه علما، غازیان، نویسنده‌گان و شعرای نام آور است. این سرزمین در طول تاریخ همواره شخصیت‌هایی را در آغوش خود پرورانده که از جهات مختلف به جامعه و مردم کشور خویش مصدر خدمت گردیده اند. در این درس یکی از شخصیت‌های شهیر و شاعر نامدار کشور را معرفی می‌نماییم تا زنده‌گینامهٔ او نمونه‌یی باشد برای آبادی و عمران کشور و انگیزه یی شود برای نسل‌های آینده تا در راه سربلندی وطن از آن استفاده نمایند.

استاد خلیل الله خلیلی فرزند مرحوم میرزا محمد حسین خان مستوفی الممالک منسوب به قوم صافی بوده و از رجال متنفذ و نامدار عصر خویش به شمار می‌رفت. در سال ۱۲۸۶هـ ش. در باغ جهان آرای کابل چشم به جهان کشود. محمد حسین خان مستوفی الممالک از بزرگان منطقهٔ کوهستان در شمال کابل و یکی از بارزترین رجال آن عصر شمرده می‌شد. خلیلی با مصائب و مشکلات روزگار دست و پنجه نرم کرد و به اثر استعداد ذاتی و

همت بلندش توانست از هر خرمنی خوشهٔ از هنر و ادب فراهم آورد، ادبیات دری و علوم دیگر؛ از قبیل: منطق و تفسیر وحدیث را به نحو خجسته نزد اساتید زمان خود فراگرفت. شانزده ساله بود که در مکتب میربچه کوت به شغل معلمی پرداخت. به اثر لیاقت در وزارت مالیه به صفت منشی مخصوص و بعد به حیث مستوفی ولایت بلخ مقرر گردید و نیز برای مدتی به صفت حاکم مزار شریف اجرای وظیفه نمود. مدت سیزده سال در دفتر صدارت کار کرد. مدتی به صفت استاد پوهنتون و معاون پوهنتون ایفای وظیفه نمود و در سال ۱۳۳۰ هـ. ش. در ریاست مستقل مطبوعات افغانستان و در سال ۱۳۳۲ هـ. ش. به عنوان مشاور عالی سلطنتی در دربار محمد ظاهر شاه و وکیل در پارلمان خدمت کرد. در سال‌های نخستین دههٔ ۵۰ به عنوان سفیر کبیر مدتی در عربستان سعودی و سپس در عراق مشغول کار بود و درعین حال به حیث سفیر غیرمقیم در کشورهای سوریه، بحرین، کویت، اردن، قطر و ابوظبی ایفای وظیفه می‌نمود. او حایز نشان درجه اول معارف افغانستان به پاس خدماتش گردید. همچنان استاد نشان اکادمیک فرانسه را از طرف جنرال دوگول دریافت نمود و هم به حیث عضو نویسنده‌گان بین المللی کشورهای آسیایی و افریقایی و عضو افتخاری در اکادمی تاریخ افغانستان بود.

اما، مهمتر از این‌ها، جایگاهی بود که او در علم و ادب کسب کرد و به زودی نامدارترین شاعر افغانستان شد.

دوران مهاجرت

پس از سرنگونی حکومت محمد داوود خان به دست کمونیست‌ها، استاد به اجبار، ترک وطن کرد و مدتی کوتاه در ایالات متحدهٔ امریکا به سر برد و به سبب عشق به وطن در آنجا طاقت ننمود و در سال‌های آخر عمر به پاکستان آمد و در کنار هزاران هزار هموطن آواره اش مسکن گزید و برای رهایی سرزمینش افغانستان تلاش کرد. در این دوره هم آثار زیادی از خود به جا گذاشت و در رساندن فریاد دادخواهی هم میهنان خویش به گوش جهانیان و نجات افغانستان از تهاجم بیگانه‌گان سهم فعال گرفت؛ بالآخره استاد بعد از هشتاد سال زنده‌گی به تاریخ چهاردهم ثور ۱۳۶۶هـ. ش. در یکی از شفاخانه‌های اسلام‌آباد پاکستان با قلب مملو از درد وطن این جهان فانی را وداع گفت، در میان آواره‌گان افغان در پشاور به خاک سپرده شد.



پس از بیست و پنج سال از وفات استاد، در جوزای سال ۱۳۹۰ هـ‌ش. تابوت اش از پشاور به کابل انتقال داده شد و بر اساس تصمیم شورای وزیران افغانستان در محوطهٔ پوهنتون کابل و در کنار آرامگاه سید جمال الدین افغان، طی مراسم رسمی به خاک سپرده شد.



شاگردان در گروه‌های مختلف در مورد زنده‌گی استاد خلیل الله خلیلی با هم صحبت نموده، نتیجهٔ صحبتهای خویش را توسط نماینده‌گان گروه خویش با سایر همصنفان د رمیان بگذارند.



۱ - استاد خلیل الله خلیلی در کدام سال و درکجا تولد گردیده است؟
۲ - کارهای مهم استاد خلیلی را نام بگیرید.
۳ - در مورد احساس وطندوستی استاد خلیلی چه می‌دانید؟ توضیح دهید.



شاگردان زنده‌گینامهٔ استاد خلیل الله خلیلی را بنویسند و در ضمن چند نمونه از اشعار وطندوستانهٔ شان را از کتاب‌های درسی پیدا نموده، تحریر نمایند.



به پیشگاه وطن

آدمی فطرتاً وطن خود را دوست داشته قلباً به آن علاقه‌مند می‌باشد، از آبادی و ترقی آن خوشحال و از ویرانی و عقب مانده‌گی آن اندوهگین می‌گردد. وطن، همان جایی است که انسان در آن زاده می‌شود، نشو و نما می‌کند، از آب و هوا و خاک آن مستفید می‌گردد و شخصیت، خاطرات و آرمان‌هایش در آن شکل می‌گیرد. استاد خلیلی شاعر نامور، عواطف وطندوستانه و دلبسته‌گی عاشقانهٔ خود را به میهنش به‌طور هنرمندانه به تصویر کشیده که خواندنی است. اینک ما و شما و مثنوی پر از مهر و عاطفهٔ شاعر:

ای کعبهٔ عشق وخانهٔ شوق! ای مهد جمال و معبد ذوق!
ای خاک درت فروغ دیده بر دیده چو توتیا کشیده
ماه من و آسمان حسن من، تو مهر من و مهربان من تو
هر ذرهٔ تو مرا جهانی هر قطره چو بحر بی کرانی
چون مادر مهر پروری تو صد بار از آن فزون تری تو
جز کوی تو سر پناه من کو؟ جز پای تو تکیه‌گاه من کو؟
بی نام تو محو باد نامم بی عشق تو زنده‌گی حرامم



این دیده که گوهری است رخشان | از خاک تو گشـــته پرتـــو افشان
ای شــــــام تو صبـــح زنده‌گانی | خـــار تــــو بهـــار کامــــرانی
کهســــار بلنـــد تو فلـــک تاز | ابر سیهـــت بود گهــــرســـاز
باد تــو چومشک تـــــر دلاویز | دشـــت و دمـن تو جمله زرخیز
آب تو چـــو آب زنده‌گانـــــی | بخــــشندۀ عمـــر جـــاودانی
خـار تو ز گلـــشن جـــهان به | خاکت ز بهشـــت دیگــران به
هر چیز که هست درتو، زیباست | زان مظهر حسن و ذوق پیدا است

استاد خلیلی

توضیحات

شاعر در شعر فوق وطن و زادگاه خویش را ستایش نموده، وطن را به خانۀ عشق، محل پیدایش جمال و زیبایی تشبیه می کند، خاک آن را سرمۀ چشم دانسته، هر ذرۀ آن را قطرۀ بیکران بحر تصور می‌نماید و مهر آن را از مهر مادر بالاتر و والاتر می‌داند و آن را تکیه‌گاه مطمئن انسان‌ها تلقی می کند.

از نظر شاعر، انسان بی‌وطن نام ونشان نداشته، زنده‌گی اش بی‌هویت و گمنام خواهد بود. وی کوه‌های بلند و ابرهای سیاه وطن را به گوهر قیمت بهـا تشبیه کرده، باد آن را به مثابه مشک و عطر خوشبو دانسته و آب آن را منبع زنده‌گانی می‌داند. خارهای آن را به مثابه گلشن فکر کرده و آن را همچون بهشت تصور می کند. خلاصه این‌که از نظر شاعر، هر چیزی که در وطن وجود دارد زیبا، دلربا و قشنگ است و در آن حسن و زیبایی جلوه‌گر می‌باشد.



شاگران به دو گروه تقسیم شوند. گروه اول در مورد وطن و گروه دیگر در مورد ارزش وطن باهم صحبت نمایند.





۱- مقصد و مرام شعـــر فــوق را بنویسید.
۲- یک چهار بیتی راجــع به وطـن از کتاب‌ها انتخاب نموده، بنویسید.
۳- به وطن چرا کلمۀ مادر خطاب می‌شود؟



شاگردان به کمک اولیا، شخصیت‌های فرهنگی و استادان خویش اشعاری در مورد وطن ترتیب و در صنف ارائه نمایند.





منافع ملی

منافع ملی چیست؟ منافع ملی چه نقشی در تقویت وبقای ملت‌ها می‌تواند داشته باشد؟ چرا ملت ها کوشش می‌کنند منافع ملی خویش را حفظ کنند؟ از دست دادن منافع ملی چه صدمه‌یی را بر پیکر ملت‌ها وارد می‌کند؟
در این درس، به سؤالات فوق، پاسخ داده می‌شود.

منافع ملی چیست؟

منافع ملی به منافعی اطلاق می‌شود که با زنده‌گی و افتخارات باشنده‌گان یک سرزمین ارتباط مستقیم و ناگسستنی داشته باشد. دولت‌ها به نماینده‌گی از ملت‌های شان در ارتقا، بهبود و حفاظت آن سعی و تلاش نموده، برای تحقق آن در داخل و خارج از کشور تأکید و جد وجهد می‌نمایند.

جنبه‌های منافع ملی

منافع ملی عبارت از دین، ارزش‌های معنوی، استقلال، تمامیت ارضی، امنیت، رفاه اقتصادی، قدرت، مقام، افتخارات ملی، تاریخ، فرهنگ و غیره می‌باشد.



اکنون می‌پردازیم به توضیح و شرح مختصر هر کدام از این‌ها:

۱- دین ومعنویت: یکی از مهمترین جنبه‌های منافع ملی، دین ومعنویت است. از آن جا که ارزش‌های دینی ومعنوی، بنیاد و اساس سایر جنبه‌های زنده‌گی دینداران، به ویژه مسلمانان به شمار می‌رود حفظ این ارزش‌ها به عنوان اساسی ترین منفعت ملی، از جملهٔ واجبات وضروریات محسوب می گردد. راز موفقیت وقوت ما به عنوان یک ملت مسلمان، در قدم اول در حفظ باورها و ارزش‌های دینی ومعنوی ما نهفته است؛ زیرا که دین ومعنویت تکیه‌گاهی بوده که پدران وگذشته‌گان ما در روزهای سختی، همواره به آن پناه برده اند وبه وسیلهٔ آن بر دشواری‌ها فایق آمده و وجود خود را به مثابهٔ یک ملت زنده و پایدار در میان سایر ملت‌ها حفظ کرده اند.

۲- تمامیت ارضی: تمامیت ارضی، یعنی داشتن سرزمینی یکپارچه با مرزهای مشخص وتعیین شده. حفظ یکپارچه‌گی سرزمینی که یک ملت در آن زنده‌گی می کند وحفظ مرزهای مشخص آن، یکی از جنبه‌های مهم منافع ملی آن ملت به حساب می‌رود.
بنا بر این لازم است که هم حکومت وهم ملت که احساس وطندوستی دارند، دست به دست هم داده همهٔ خواسته های‌شان را در چوکات حفظ تمامیت ارضی وطن شان تنظیم نمایند وکاری نکنند که این سرمایه در خطر واقع شود.

۳- امنیت: جنبهٔ دیگر منافع ملی دریک کشور، تأمین امنیت است. امنیت دوگونه است: یکی «امنیت عینی» و دیگری «امنیت ذهنی».
امنیت عینی، عبارت است از مصون بودن یک کشور از جنگ داخلی و یا خارجی، شورش‌ها و درگیری‌های مسلحانه و بی‌ثباتی؛ اما امنیت ذهنی عبارت از این است که اتباع کشور از لحاظ ذهنی، احساس آرامش کنند و از ناحیهٔ جنگ و ستم و سرکوب و همچنان از ناحیهٔ گرسنه‌گی و قحطی تشویش و نگرانی نداشته باشند.
این وظیفهٔ حکومت‌ها است که امنیت را به‌طور عینی و ذهنی در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، بین المللی و غیره تأمین نمایند، تا اتباع کشور بتوانند، در فضای امن و آرام زنده‌گی کنند و برای آیندهٔ خویش برنامه‌ریزی نمایند.
خداوند متعال در قرآن کریم امنیت از ترس را در پهلوی امنیت از گرسنه‌گی قرار داده، هردو را از نعمت‌های قابل سپاسگزاری دانسته است[۱].

۱- ترجمهٔ بخشی از سورهٔ قریش.



٤- رفاه اقتصادی: بی‌شک تأمین رفاه اقتصادی و معیشتی یکی از خواسته‌های اساسی ومهم همهٔ ملت‌ها و جزء منافع ملی آن‌ها ست. مردمان ضعیف،گرسنه و بیکار قطعاً با تحقق منافع ملی شان فاصله دارند.
یکی از راه‌های رسیدن به رفاه اقتصادی، استخراج معادن وثروت‌های طبیعی داخلی و جذب سرمایه گذاری‌های خارجی می‌باشد.
کشور ما – الحمد لله – از نگاه ثروت‌های طبیعی و استعدادهای بشری غنی می‌باشد. بر دولت است که با همکاری صمیمانهٔ ملت، از این سرمایه‌های خدا داد استفادهٔ بهترنموده، مردم را از فقر و فلاکت بیرون کشیده، به یک زنده‌گی مرفه و خودکفا رهنمون گرداند.

٥- قدرتمند بودن: قدرت دولت‌ها، از موهبت‌های طبیعی و موفقیت‌های اکتسابی نشأت می‌کند. موهبت‌های طبیعی؛ مانند: قرار گرفتن کشور در منطقهٔ خوب و مناسب از نگاه موقعیت جغرافیای سیاسی (جیوپولیتیک) و یا برخورداری از منابع طبیعی؛ همچون: نفت، گاز وغیره؛ اما موفقیت‌های اکتسابی؛ مانند: پیشرفت‌های علمی وتکنالوجی، قدرت نظامی و تسلیحاتی، کثرت نفوس، حضور مؤثر در محافل و مجامع بین‌المللی تأثیر گذار و غیره.
کشورهای مقتدر به کشورهایی گفته می‌شود که از توانایی دست‌یابی به اهداف شان، برخوردار اند و در مسائل منطقه یی و بین المللی دارای نفوذ و قدرت تأثیر گذاری می‌باشند.

٦- مقام یا پرستیژ: یکی از مهمترین جنبه‌های منافع ملی، داشتن مقام و منزلت و یا پرستیژ در عرصه‌های بین المللی است. به هر اندازه‌یی که یک دولت در نظام بین‌المللی مورد احترام و تکریم قرار می‌گیرد و اسناد رسمی آن (همچون پاسپورت و اسناد پوهنتونی) مورد اعتبار می‌باشد، به همان پیمانه، دارای منزلت و پرستیژ شناخته می‌شود.
یک دولت با پرستیژ، در محافل بین المللی حضور فعال و تأثیرگذار دارد و در منازعات جهانی از وی به عنوان میانجی دعوت به عمل می‌آید.

٧- استقلال: داشتن استقلال نیز جزء منافع ملی به حساب می‌رود. استقلالیت؛ یعنی داشتن آزادی در انتخاب وتصمیم گیری. ملت مستقل، ملتی را می‌گویند که در انتخاب روش زنده‌گی و در انتخاب نوع حکومت و نظام سیاسی خویش از آزادی کامل برخور دار است و هیچ کس نمی‌تواند نظامی را به زور بر وی تحمیل کند. دولت مستقل، دولتی



را می‌گویند که در انتخاب‌ها و تصمیم‌گیری‌های خود دارای آزادی و ارادهٔ مستقل می‌باشد و هیچ قدرت خارجی نمی‌تواند در تصمیم‌گیری‌هایش مداخله کند.
مستقل بودن در حقیقت ثمره و نتیجهٔ سایر جنبه‌هایی است که در باب منافع ملی در بالا توضیح داده شد.



معلم محترم در بارهٔ منافع ملی، با توجه به اصل شاگرد محوری، با شاگردان به گفتگو بپردازد.



۱-منافع ملی را تعریف کنید.
۲- معنویت یکی از جنبه‌های منافع ملی است. این اصل را روشن سازید.
۳- انواع امنیت را بیان نموده نقش آن را در شگوفایی اقتصادی بیان کنید.
۴- رفاه اقتصادی چگونه می‌تواند جزء منافع ملی باشد؟
۵- قدرت دولت‌ها از کجا نشأت می‌کند؟ به گونهٔ تفصیلی بیان دارید.



یک مقاله در بارهٔ منافع ملی بنویسید که از ده سطر کمتر نباشد.





قهرمانان ملی

افغانستان سرزمین قهرمان‌پرور است. آزادی، استقلال، افتخارات و حیثیت ملی ما مرهون مجاهدت‌ها و فداکاری‌های مردان و زنانی می‌باشد که در شرایط دشوار و اوضاع بحرانی سینه‌های خود را سپر کردند و کشور مارا از مشکلات نجات دادند، آنان قهرمانان تاریخ ما به حساب می‌روند.

در این درس با برخی از این قهرمانان آشنایی پیدا می‌کنیم.

قهرمان کیست و قهرمانی چیست؟

هر ملتی برای خود قهرمانانی دارد که به آن‌ها افتخار می‌کند و نام و خاطرۀ آن‌ها را همواره گرامی می‌دارد. قهرمان معمولاً به اشخاصی گفته می‌شود که در شرایط دشوار و ناگوار در صحنه تبارز می‌کنند و خود را در میان امواج مشکلات و نا بسامانی‌ها می‌اندازند و کشتی شکسته و توفان‌زدۀ ملت خود را به ساحل پیروزی و بهروزی رهبری می‌کنند.

در یک زمان ملتی مورد تاخت و تاز دشمنان قرار می‌گیرد و سرزمین و استقلال آن به اسارت می‌رود، کسانی که خطر را می‌پذیرند و در راه آزادی ملت‌ها کار و پیکار می‌کنند و سبب نجات و رهایی آن‌ها از اسارت می‌گردند، قهرمانان اند.

همچنان در شرایطی که یک ملت در گودال عقب‌مانده‌گی علمی، جهل و انحطاط اخلاقی سقوط می‌کند افرادی می‌آیند و با قبول هر نوع مشکلات، چراغ علم و دانش را روشن می‌کنند، به آگاهی و روشنگری می‌پردازند و افراد ملت را به توسعهٔ علمی و کمال اخلاقی رهنمون می‌شوند؛ آن‌ها هم قهرمان اند.

به همین ترتیب اگر ملتی به فقر و درمانده‌گی و وابسته‌گی اقتصادی مبتلا می‌گردد و کسانی در راه بهبودی وضع ایشان زحمت می‌کشند و ملت را از حالت فلاکت بار بیرون نموده با هوشیاری و تدبیر سالم و ابتکارات جدید به رفاه اقتصادی و خود کفایی می‌رسانند، به آن‌ها هم قهرمان گفته می‌شود.

نقش قهرمانان ملی در آزادی و استقلال کشور

کشور ما افغانستان در نیمهٔ اول قرن شانزده بعد از سقوط تیموریان هرات مورد تهاجم سه قوای اجنبی، صفوی‌های ایران، بابری‌های هند و شیبانی‌های ماوراءالنهر قرار گرفت. مداخلات کشورهای مذکور تقریباً دوونیم قرن طول کشید تا این‌که حاجی میرویس خان نیکه در ۱۷۰۹ میلادی توانست بر متجاوزان فایق آید و حکومت مستقل ملی را در قندهار تشکیل نماید؛ اما حکومت مذکور بیش از سی سال دوام نکرد.

بعد از سقوط حکومت هوتکیان، افغانستان یک بار دیگر مورد تهاجم قوت‌های نادر افشار واقع شد؛ پس از قتل نادر افشار، احمدشاه بابا در ۱۷۴۷ میلادی افغانستان را دوباره احیا کرد و یک امپراتوری قوی و محکم را ایجاد نمود، که از دریای آمو تا بحیرهٔ عرب و از سند تا مشهد وسعت داشت و بیشتر از نیم قرن دوام کرد؛ اما به اثر اختلافات نوه‌های احمدشاه بابا افغانستان ضعیف گشت و در سال ۱۸۳۹م. مورد تهاجم نیروهای انگلیس واقع گردید.

مردم افغانستان با داشتن احساس وطندوستی و روحیهٔ آزادی‌خواهی تحت قیادت رهبران و قهرمانان ملی دور هم جمع شدند و بیرون راندن انگلیس‌ها را یکی از وجایب دینی و ملی خویش دانستند. ایشان در سر تا سر کشور تحت رهبری سران و قهرمانانی؛ همچون: سردار وزیر محمد اکبرخان فرزند امیر دوست محمدخان، میر مسجدی خان کوهدامنی، نایب امین الله خان لوگری، عبدالله خان اچکزی و غیره علم جهاد را برافراشته، علیه قوای متجاوز انگلیس به جهاد پرداختند. به این ترتیب تجاوز اول انگلیس با قتل مکناتن و صدها افسر و هزاران عسکر آن به همت مبارزان و مجاهدان افغان دفع گردید و انگلیس‌ها متحمل تلفات سنگین جانی و مالی شدند و حیثیت و پرستیژ شان به سطح جهان صدمه دید.



در ماه نومبر سال ۱۸۷۸ م. بار دوم انگلیس‌ها بر افغانستان تجاوز نموده، معاهدۀ گندمک را بر امیر محمد یعقوب تحمیل کردند و کیوناری به صفت سفیر و نمایندۀ با صلاحیت انگلیس داخل بالاحصار کابل شد. افغان‌ها همین که دست اجانب را در ادارۀ کشور مشاهده نمودند بار دیگر به قیام و جهاد علیه انگلیس‌ها متوسل شدند، کیوناری را همراه افسران و عساکرش در بالاحصار کابل به قتل رسانیدند، تحت فرماندهی رهبران ملی و قومی؛ همچون: غازی محمد جان خان وردک، ملا دین محمد مشک عالم، صاحب خان تره کی، سردار محمد ایوب خان پسر امیرشیرعلی خان، محمد عثمان خان صافی تگابی میربچه خان کوهدامنی، غلام حیدرخان چرخی، ملالی و غازی ادی، بسیج گردیده، در مناطق مختلف کشور علیه قوای انگلیس به حملات آغاز نمودند و در معرکۀ میوند قندهار، افغان‌ها بیشتر از ۱۲۰۰۰ عسکر انگلیس را به قتل رسانیدند و آن‌ها را مجبور به ترک افغانستان نمودند.

قابل تذکر است که در جهاد و مبارزه علیه انگلیس در پهلوی مردان، زنان افغان نیز سهم فعال و بارز داشتند؛ چنانکه تنها در تجاوز دوم انگلیس بر افغانستان ۸۵۰ زن در جنگ‌های کابل در دامنه‌های کوه آسمایی شرکت ورزیدند، که ۸۳ تن آن‌ها به شهادت رسیدند؛ طوری که کارنامۀ غازی ادی در جنگ کابل و کارنامۀ ملالی در نبرد میوند، از خاطرات فراموش ناشدنی به حساب می‌رود.

حماسۀ قهرمانان ملی در جهاد دوران ساز مردم افغانستان بر ضد شوروی

در سال ۱۳۵۸ هـ. ش. اتحاد شوروی که در آن زمان یکی از بزرگترین کشورهای جهان به حساب می‌رفت بر سرزمین ما حمله کرد و وطن ما را تحت اشغال خود در آورد. مردم مسلمان افغانستان با دست‌های خالی، ولی با قلب‌های آگنده از ایمان و توکل به خدا، برضد ارتش اتحاد شوروی که به نام اردوی سرخ نامیده می‌شد و از جملۀ قویترین اردوهای مسلح جهان محسوب می‌گردید، قیام کردند و پس از ده سال جهاد مسلحانه شوروی‌ها را ذلیل ساخته، از وطن خویش اخراج نمودند، مجاهدان افغان در این دوران یکی از پر شکوه‌ترین حماسه‌های تاریخ بشری در نبرد حق علیه باطل را رقم زدند.





شاگـــردان به چندین گروه تقسیم شوند. چند گروه راجع به عوامل مداخلات و تجاوزات انگلیس بر افغانستان و چند گروه دیگر در مورد نقش قهرمانان ملی در دفع این تجاوزات، بین خویش مباحثه نموده، نتیجهٔ آن را در صنف ارائه نمایند.



۱- قهرمانان ملی در دفع تجاوزات اجانب چگونه می‌توانند نقش ایفا نمایند؟
۲- قهرمانان و مبارزان ملی جنگ اول افغان و انگلیس را فهرست نمایید.
۳- چند نفر از قهرمانان و مبارزان ملی جنگ دوم افغان و انگلیس را نام ببرید.
۴- غازی ادی و ملالی در کدام نبردها حماسه آفریدند؟



شاگردان به کمک والدین، استادان، شخصیت‌های فرهنگی و منابع دست داشته راجع به قهرمانان ملی مطالبی تهیه و آن‌ها را در صنف ارائه نمایند.





شهید محمد موسی شفیق

درس کنونی ما به معرفی یکی از شخصیت‌های بارز وطن عزیز اختصاص دارد.
این شخصیت نامور، شهید محمد موسی شفیق است که خدمات ارزندۀ او برای افغانستان همیشه به یاد خواهد ماند.

شهید محمد موسی شفیق فرزند مولوی محمد ابراهیم کاموی در سال ۱۳۰۸هـ. ش. در شهر کابل چشم به دنیا گشود، تحصیلات ابتدایی را در منطقۀ آبایی خویش ولسوالی کامۀ ولایت ننگرهار و شهر کابل به پایان رساند و تحصیلات دورۀ ثانوی را در مدرسۀ نجم‌المدارس ولایت ننگرهار و دارالعلوم عربی کابل سپری کرد.

موصوف پس از یک مدت مأموریت در دارالتحریر شاهی، غرض تحصیلات عالی به پوهنتون مشهور الازهر مصر رفت و از آنجا شهادتنامۀ لیسانس و ماستری را به دست آورد و غرض تحصیلات بیشتر به ایالات متحدۀ امریکا سفر کرد و از آنجا بار دیگر شهادتنامۀ ماستری را در رشتۀ حقوق مقایسوی به دست آورد.

شهید محمد موسی شفیق نخست در بخش تقنین وزارت عدلیه ایفای وظیفه کرد و سپس



به سمت معین آن وزارت ارتقا نمود.
تسوید بسیاری از قوانین و اصولنامه‌ها در عرصه‌های مختلف، از جملهٔ کارهای مهم شهید محمد موسی شفیق در وزارت عدلیه به شمار می‌رود.
همچنان محمد موسی شفیق به حیث سفیر افغانستان در جمهوریت عربی مصر ایفای وظیفه نموده است. گسترش روابط دوجانبه بین افغانستان و مصر از دست‌آوردهای دیگر شهید محمد موسی شفیق است.
شفیق در اثر لیاقت و پشت‌کار به حیث وزیر خارجهٔ افغانستان تقرر حاصل نمود و دیری نگذشت که در سال ۱۳۵۰ هـ. ش. به حیث صدر اعظم افغانستان برگزیده شد.
شفیق صدر اعظم جوان، پرکار و با کفایت بود، می‌خواست کشور عزیز ما ترقی و پیشرفت نماید.
شهید محمد موسی شفیق برای مقابله با اثرات خشکسالی سال ۱۹۷۲م. چارهٔ معقول سنجید و توانست کمک بانک جهانی را به دست بیاورد.
از جملهٔ کارنامه‌های دوران صدارت شهید محمد موسی شفیق، ایجاد بانک انکشاف صنعتی و بعضی از پروژه‌های اقتصادی دیگر می‌باشد.
شهید محمد موسی شفیق عالم، نویسنده، ادیب، حقوق‌دان، دیپلمات، سیاستمدار و دولتمرد پرکاری بود که علاوه از زبان‌های رسمی دری و پشتو بر زبان‌های عربی، انگلیسی و فرانسوی نیز تسلط داشت.
از اقدامات دیگر شهید محمد موسی شفیق پخش آذان در وقت نماز از طریق رادیو افغانستان و توقف اذیت علما و دعوتگران مسلمان از طرف دستگاه‌های حکومتی بود که طرف استقبال مردم مسلمان کشور قرار گرفت.
شهید محمد موسی شفیق در نتیجهٔ کودتای نظامی ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ هـ. ش. از کار برکنار شد و پس از کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ هـ. ش. به زندان رفت و از طرف رژیم کمونستی مظلومانه به شهادت رسید.
ما به حیث فرزندان وطندوست ملت مسلمان و قدر شناس افغانستان خدمات شخصیت‌های ملی و بزرگان خود را هرگز فراموش نکرده، کارهای نیک آنان را سرمشق زنده‌گی خود قرار می‌دهیم و برای آن‌ها دعای خیر می‌کنیم.





شاگردان در مورد کارنامه‌ها و خدمات شهید محمد موسی شفیق با هم مباحثه نمایند.



۱- شهید محمد موسی شفیق در کجا به دنیا آمد و تحصیلات ابتدایی و ثانوی خود را در کجا به پایان رسانید؟

۲- مهمترین وظایف شهید محمد موسی شفیق را نام بگیرید.

۳- بعضی از کارنامه‌های مهم شهید محمد موسی شفیق را بیان نمایید.



در بارهٔ شخصیت و خدمات شهید محمد موسی شفیق مقاله‌یی بنویسید که از پنج سطر کم نباشد.





خاک وطن

حب وطن یک عاطفۀ غریزی است و بنابراین هرکس وطن خود را دوست دارد؛ اما حب وطن تنها در ادعا و شعار دادن خلاصه نمی‌شود؛ بلکه باید هر کدام ما به ذره ذرۀ خاک وطن عشق ورزیده، این عشق را عملاً در زنده‌گی روزانۀ خویش به اثبات برسانیم و در عمران و بازسازی کشور سهم فعال بگیریم. برما است که زخم‌های ملت درد کشیدۀ خویش را با حفظ وحدت و یکپارچه‌گی بدون در نظر داشت، قوم، رنگ، نژاد و زبان مرهم بگذاریم والتیام بخشیم، که این کار با کسب دانش و با بلند بردن سویۀ علمی ما ممکن است.

بزرگان و دانشمندان وطن ما در گذشته این فداکاری را نموده اند. برخی از ایشان توسط گفتار و اشعار خویش ما را به پاسداری از وطن تشویق کرده اند، پارچه شعر ذیل یکی از نمونه‌های آن می‌باشد.

خاک وطن

همان بهشت که گویند نزهت آباد است
به چشم اهل نظر خاک پاک اجداد است



وطن چه روضهٔ فـرحـت فـزاسـت نام خدا
کزین فضای دلاویز خاطرم شاد اســـــت
هـرآن کـه حـرمـت مـام وطـن نـگــهدارد
به پیش اهل نظر بهتریـــن ا ولاد اســـت
بـــه زیـر بـار غـــــلامی کس مرو زنهار
که این حدیث ز آزاده‌گان مرا یاد اســت
ز بـرگریـزان خزان و فسردن است ایـمن
در این چمن چو همی سرو هر که آزاد است
همین ترانـــه ز آزاده‌گان رسد در گوش
که آبروی اسیر ان مدام بر باد اســـــت
هزار خسرو و پرویز گشت خاك هنــــوز
ز فیض کوهکنی زنده نام فرهاد اســـــت
به سرهوای وطن خوش بود که حب وطن
به هر که داد خدا دولت خدا داد اســــت
کنون که غیر نبسته است دست و پای ترا
مـــدد رسان وطن باش وقت امداد اســت

مرحوم ملك الشعرا قاری عبدالله

معانی برخی از کلمات

- نزهت: پاکی، پاکیزه‌گی، خرمی
- اجداد: نیاکان، پدران
- حدیث: سخن، کلام
- ایمن: محفوظ، مصون، در امان
- زنهار: خبردار، هشدار
- اسیر: غلام
- مام وطن: منظور از مادر وطن است؛ زیرا وطن نیز افراد خود را مثل مادر در دامان پاك خود می‌پروراند.



معرفی مختصر شاعر:

قاری عبدالله در سال ۱۸۷۱م. در کابل به دنیا آمد و در سال ۱۹۴۴م. وفات کرد. وی تحصیلاتش را به‌طور خصوصی به پایان رسانیده، در لیسهٔ حبیبیه تدریس کرد و عضویت انجمن ادبی افغانستان را داشت. قاری عبدالله سخنور بزرگ و شاعر خوش قریحه و ظریف بود. از همین جهت در سال ۱۹۳۶م. به عنوان ملک الشعرای دربار شاهی شناخته شد.



شاگردان به چند گروه تقسیم شده، در مورد پیام‌هایی که در شعر خاک وطن وجود دارد با هم به بحث و گفتگو بپردازند و نتیجهٔ آن را هر گروه توسط نمایندهٔ خود بیان دارد.

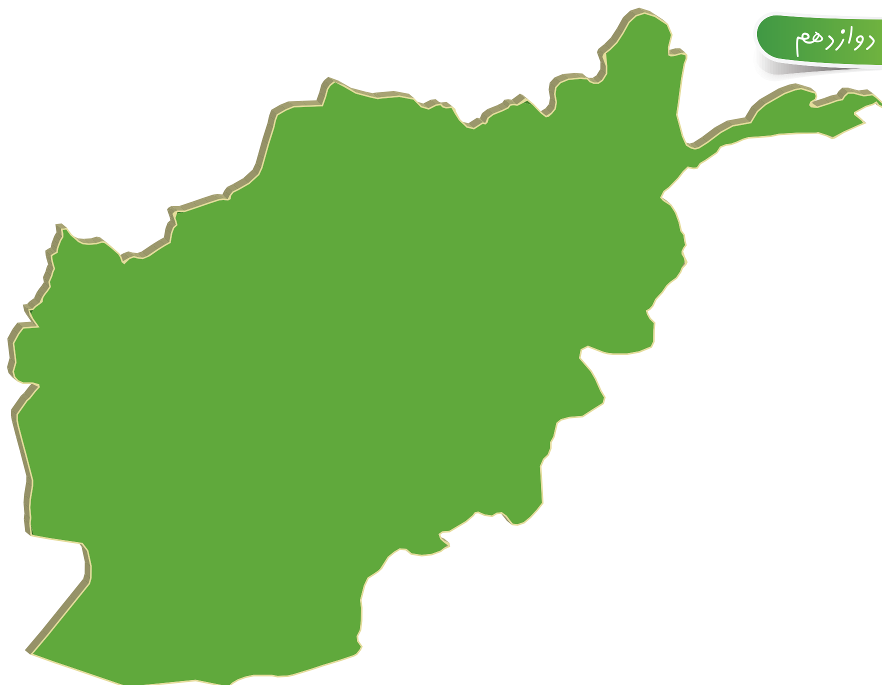


۱- مفهوم شعر خاک وطن را به زبان خود بیان کنید.
۲- قاری عبدالله شعر خاک وطن را به کدام منظور سروده است؟
۳- وطن بالای اتباع خویش چه حق دارد؟



در روشنایی شعر درس، یک مطلب بنویسید که از پنج سطر کم نباشد.





وحدت و همبسته‌گی افغان‌ها در دفاع از وطن

چرا سرزمین افغانستان در دوره‌های مختلف تاریخ مورد تجاوز و لشکرکشی قرار گرفته است؟ مردم این سرزمین در برابرمتجاوزان خارجی چگونه برخورد نموده اند؟ چه چیزهایی سبب وحدت و یکپارچه‌گی و پیروزی مردم افغانستان در برابر متجاوزان بوده است؟

در این درس پاسخ این سؤال‌ها را مطالعه نموده، راجع به فدا کاری‌ها و قهرمانی‌های نیاکان خود برای دفاع از سرزمین محبوب ما معلومات بیشتر حاصل خواهیم نمود.

سرزمین افغانستان یکی از قدیم‌ترین گهواره‌های تمدن بشری در تاریخ جهان است. این سرزمین با داشتن موقعیت مهم جغرافیایی و سوق الجیشی در ادوار مختلف تاریخ همواره مورد تجاوز و لشکرکشی‌های جهان کشایان، قدرت‌های بزرگ و همسایه‌گان قرار گرفته است.

مردم این سرزمین با داشتن اقوام و قبایل مختلف، فرهنگ، زبان و کلتور متنوع و رسم و رواج‌های گوناگون همیشه در مقابل جهان گشایان و اشغالگران متحد گردیده سخت‌ترین



ضربه را بر دشمنان وطن وارد ساخته اند.
مردم سرزمین ما در قرن چهارم قبل از میلاد در برابر لشکر اسکندرمقدونی با وحدت و یکپارچه گی از سرزمین خود دفاع نمودند و کوبنده‌ترین ضربه را بر لشکر مهاجم و شکست ناپذیر اسکندر وارد کردند.
طی قرن‌های نزدهم و بیستم میلادی امپراتوری استعماری بریتانیا سرزمین ما را مورد تاخت وتاز خود قرار داد؛ اما در چندین مرحله لشکر مهاجم بریتانیا توسط جهاد وفداکاری فرزندان مؤمن و با شهامت این سرزمین با شکست‌های ذلت باری مواجه گردید که تاریخ جنگ‌های معروف و مشهور افغان و انگلیس شاهد زندهٔ وحدت و همبسته گی، فدا کاری و قهرمانی مردم افغانستان است.
افغانستان اولین کشوری است که استقلال خود را از استعمار انگلیس به دست آورد و نمونهٔ استقلال طلبی کشورهای زیر استعمار در منطقه وجهان گردید.
در نیمهٔ اخیر قرن بیستم میلادی، ابر قدرت جهانی اتحاد جماهیر شوروی در اوج قدرت نظامی خود به افغانستان تجاوز کرد و با صدها هزار نیروی مسلح و تجهیزات نظامی پیشرفته از هوا و زمین کشور ما را به اشغال خود در آورد.
ملت مسلمان و با شهامت افغانستان در سرتاسر این سرزمین در برابر تجاوز ارتش سرخ شوروی به پا خاست و با دست خالی؛ ولی با ایمان راسخ و همبسته گی همهٔ افراد و اقشار این سرزمین به جهاد خود ادامه داد، تا این‌که با تقدیم بیش از یک و نیم ملیون شهید، ملیون‌ها مهاجر و آواره، صدها هزار معیوب ومعلول و بیوه ویتیم، سر انجام ارتش تجاوزگر شوروی را از کشور خود بیرون راندند و آزادی خود را به دست آوردند.



رمز پیروزی افغان‌ها در برابر متجاوزان

همه می‌دانیم که مردم افغانستان در دوره‌های مختلف هنگامی که مورد تجاوز قرار گرفته اند با وجودی که قوت شان از لحاظ نظامی با قدرتهای تجاوزگر قابل مقایسه نبوده، دشمنان خود را شکست داده اند، پس چه چیزی عامل پیروزی این ملت در برابر بزرگترین قدرتهای جهان گردیده است؟
جواب این سؤال مهم در یک کلمه نهفته است که ملت افغانستان فقط با نیروی ایمان، حب وطن وایثار گری به این هدف عالی نایل آمده است.





شاگردان راجع به وحدت و همبسته‌گی مردم افغانستان در برابر تجاوز انگلیس‌ها و تجاوز اتحاد شوروی سابق و این‌که سرنوشت ابر قدرت اتحاد شوروی در نتیجهٔ تجاوز به افغانستان به کجا کشید، ابراز نظر کنند.



۱- چرا سرزمین افغانستان در ادوار مختلف تاریخ مورد تجاوز و اشغال قرار گرفته است؟

۲- برخورد مردم افغانستان در برابر جهان‌گشایان و متجاوزان چگونه بوده؟ آیا به قدرتهای بزرگ سر خم کرده و در برابر متجاوزان تسلیم شده اند؟

۳- در قرن چهارم قبل از میلاد سرزمین ما توسط کدام قدرت جهانی مورد تجاوز قرار گرفت و عکس العمل افغان‌ها در برابر این تجاوز چگونه بود؟

۴- جهاد ومقابلهٔ مردم افغانستان در برابر استعمار انگلیس چه اثراتی را بر منطقه و جهان به جا گذاشت؟

۵- در نیمهٔ اخیر قرن بیستم میلادی سرزمین ما از جانب کدام ابر قدرت جهانی اشغال گردید وسرنوشت این ابر قدرت متجاوز در نتیجهٔ لشکرکشی و تجاوز به افغانستان چه شد؟



رمز پیروزی مردم افغانستان در برابر تجاوزات خارجی و جهان‌گشایان چه بوده؟ در این مورد یک مقاله بنویسید.







عمران وطن

وطن عزیز ما افغانستان است، کوه‌های سر به فلک، وادی‌های زیبا، دریاها، کاریزها و چشمه‌های طبیعی به زیبایی آن افزوده است.
چهار فصل آن (بهار، تابستان، خزان، زمستان) نمودهای دیگری است که جلوه‌ها و نشانه‌های قدرت خداوندی را به نمایش می‌گذارد.
هر بیننده‌یی که آبده‌ها و یادگارهای تاریخی وطن عزیز ما را می‌بیند به عظمت، شهامت و کاردانی نیاکان و فرزندان این سرزمین اعتراف می‌نماید.
تبارز شهامت، غیرت، وطندوستی و جهاد بر حق فرزندان این سرزمین در سه دهۀ اخیر و دفاع بی باکانه از میهن عزیز خویش افتخار دیگری است که تاریخ افغانستان به خط زرین در اوراق خود ثبت کرده است.
بر همۀ ما اعم از زن و مرد، پیر و جوان لازم است تا از یک طرف برای ترقی و تعالی وطن خود کمر همت بسته و از طرف دیگر مانند گذشته در حفظ و نگهداشت این سرزمین پرافتخار از هیچ نوع فداکاری و ایثار دریغ ننمایم.
شاعران کشور، اشعار زیبایی در ستایش میهن و بیان افتخارات ملت ما سروده اند، شعر زیر یکی از این سروده‌های زیباست:



ای عزیزم! جهــد فرما بهر عمران وطن — تا فزون گردد ازین ره عزت و شأن وطن
چون نیاکان در فداکاری ز روی اتحاد — همت و غیرت نماییــد ای جوانان وطن!
در خبر حب الوطن از شاخهٔ ایمان بود — از صمیم قلب باشیـــد دوستداران وطن
عصر سعی و کوشش است ای اهل عرفان! همتی — در وطن خدمت کنیـد ای نونهالان وطن!
از هنرمندی جهان، با نظم و سامان گشته است — ما چرا غافل ز فکـــر نظم و سامان وطن
جسم بیجان است آن قومی که صنعت پیشه نیست — در حقیقت صنعت و دانش بود جان وطن
روح ملت گر ز درد احتیاج افسرده است — جز دوای علم و صنعت نیست درمان وطن
آن زمان اهل وطن یابد نجات از احتیاج — گـــر بریزد گوهر صنعت به دامان وطن
«بهره» بهر حفظ ناموس وطن مردانه وار — مال و جان را دار همه یکسر به قربان وطن

بهره



شاگردان به دو دسته تقسیم شده، با هم در مورد اهمیت علم، صنعت و زراعت در پیشرفت و آبادی کشور صحبت نمایند.



۱- این بیت را شرح کنید:

«از هنرمندی جهان با نظم و سامان گشته است
مـا چـرا غـافل ز فـکر نظم و سامان وطن»

۲- چرا شاعر، ملت بی‌علم و صنعت را جسم بی‌جان خوانده است؟

۳- چگونه می‌توان ملت خود را از احتیاج به دیگران نجات بدهیم؟



شاگردان شعر درس را به نثر تبدیل نموده، در کتابچه‌های خویش بنویسند.







خصوصیات افغان‌ها

شاگردان عزیز! الله متعال برای ملت‌ها برخی از خصلت‌ها و عاداتی را ارزانی می‌فرماید که در سایر ملت‌ها آن قدر به گونهٔ آشکار و روشن مشاهده نمی گردد و آن اوصاف و عادات از خصوصیات ایشان پنداشته می‌شود، افغان‌ها نیز با داشتن برخی از صفات وخصلت‌های نیک، در طول تاریخ درخشیده و کارهای افتخارآفرین را انجام داده اند.
این افتخارات کدام‌ها اند و کدام خصوصیات مهم است که ملت افغان را نامور ساخته است؟ در این درس به این پرسش‌ها جواب ارائه خواهد شد.

الله تعالی به مردم افغانستان خصوصیاتی را بخشیده است که به اثر آن ملت افغانستان در طول تاریخ ملت نامور بوده، با سربلندی زیست نموده، به سطح جهان کارهای بزرگی را انجام داده، در سخت‌ترین شرایط استقلال خود را حفظ نموده و به خاطر مردم خویش کارهای مفیدی را انجام داده است، دانشمندان جهان، افغانستان را قلب آسیا نامیده اند.
با رسیدن دین مقدس اسلام به این سرزمین، مردم افغانستان آن را از صمیم قلب پذیرفتند

و در پخش آن به سوی شرق وشمال سهم فعال ایفا نمودند.
افغانها انگلیس‌ها را هنگامی با شکست مواجه ساختند که امپراتوری ایشان در شرق وغرب ریشه دوانیده بودو به اصطلاح آفتاب در قلمرو شان غروب نمی‌کرد و اردوی آن‌ها در آن وقت از مجهزترین افواج به شمار می‌رفت.
همچنان افغان‌ها قشون سرخ شوروی را در حالی شکست دادند که در اوایل جهاد، موفقیت ملت افغان بر مقیاس حساب‌های مادی محال به نظر می‌رسید.
مردم افغانستان دارای رواج‌ها و خصوصیات متعددی هستند که برخی از آن قرار ذیل است:

دینداری: مردم افغانستان مسلمان اند، به پیروی از دین مقدس اسلام فخر دارند، علما، دعوت‌گران و اشخاص متدین را محترم می‌شمارند و از مردمان بی‌دین نفرت می‌کنند.

جد و جهد: افغان‌ها مردم زحمت‌کش بوده، مشکلات و تکالیف را متحمل می‌شوند و در انجام امور وکارهای مشکل از صبر و حوصله کار می‌گیرند. همین خصلت به ایشان توانمندی می‌دهد تا موقف مردانه‌گی را نگهداشته، به زور وتعدی سر تسلیم فرود نیاورند.

دلسوزی و انصاف: افغان‌ها در مقابل زورمندان به مثابهٔ کوه موقف گرفته وایستاده‌گی می‌نمایند، همچنان ظلم وتجاوز را بر مردم ضعیف عیب می‌پندارند و دلسوزی و همکاری با مظلوم را کار با افتخار می‌شمارند.

امانت‌داری و وفا: افغان‌ها امانتداری را خصلت خوب می‌دانند، وفا به وعده را کمال مردانه‌گی می‌پندارند، خیانت در امانت و تخلف از وعده را کار زشت و ناپسند می‌شمارند.

ایثار وفداکاری: گذشت از منافع شخصی در مقابل منافع دیگران و ایثار و قربانی دادن به خاطر آن‌ها را فداکاری گویند، به اثر این خصلت، اتحاد ویگانه‌گی بین جوامع بشری تکمیل وجامعه به سوی نیکبختی سوق می‌گردد، ایثار وفداکاری در فرهنگ افغانی یک



خصلت مهم و پسندیده می‌باشد.

در پهلوی خصلت‌های فوق، اخلاق نیکوی دیگری؛ مانند: احترام به زنان، مهمان نوازی، حیا و ناموس داری نیز از خصوصیات افغان‌ها محسوب می گردد.

ما نسل امروزی وآیندهٔ افغانستان وظیفه داریم تا خصلت‌های خوب را در خود بپرورانیم و از خصلت‌های زشت دوری نماییم.



شاگردان به گروه‌ها تقسیم شوند و در پهلوی خصوصیات متذکره سایر خصلت‌های خوب افغان‌ها را لست نموده، با دیگران شریک سازند.



۱- افغان‌ها در طول تاریخ مردم باشهامت بوده اند، برای ثبوت این مدعا دو نمونه را منحیث دلیل ارائه نمایید.

۲- نمونه‌هایی از دینداری، امانت‌داری و وفای افغان‌ها را بیان نمایید.

۳- موجودیت خصلت تحمل در یک ملت، کدام خوبی‌ها را به وجود می‌آورد؟

۴- دلسوزی، ایثار وقربانی چگونه اوصافی اند؟



در مورد ضررهای جنگ و اختلافات ذات البینی یک مقاله تحریر دارید که از ده سطر کم نباشد.





شهید محمد هاشم میوندوال

شاگردان عزیز!
در این درس با شخصیت و خدمات شهید محمد هاشم میوندوال یکی از چهره‌های بارز سیاسی و فرهنگی کشور عزیز خود آشنا می‌شویم.

محمد هاشم میوندوال فرزند ملا عبدالحلیم در سال۱۲۹۸ هـ. ش. در شهر کابل به دنیا آمد، پدر وی اصلاً از ولسوالی مقر ولایت غزنی بود.
میوندوال تحصیلات خویش را در لیسه‌های غازی و حبیبیهٔ شهر کابل تکمیل کرد و در اثر استعداد سرشار به کار در عرصهٔ مطبوعات و ژورنالیزم پرداخت.
موصوف به حیث مدیر روزنامهٔ انیس، مدیر روزنامهٔ اتفاق اسلام در هرات، مدیر دایرةالمعارف و سپس به حیث رئیس مستقل مطبوعات انجام وظیفه کرد.
پشت کار و جدیت میوندوال سبب شد تا موصوف به حیث معین سیاسی وزارت امور خارجه و سپس به حیث سفیر افغانستان در پاکستان و ایالات متحدهٔ امریکا ایفای وظیفه

کند.
میوندوال در عرصهٔ مطبوعات و دیپلماسی خوب درخشید و در حکومت وقت به حیث وزیر مطبوعات برگزیده شد.
دیری نگذشت که میوندوال به حیث صدر اعظم افغانستان نامزد گردیده و از ولسی جرگه رأی اعتماد به دست آورد، حکومت شهید میوندوال تقریباً مدت دو سال ادامه یافت.
ترقی و پیشرفت همه جانبهٔ افغانستان به خصوص در عرصه‌های معارف، تحصیلات عالی و صنعت و زراعت محور برنامه‌ها و کوشش‌های شهید محمد هاشم میوندوال بود.
میوندوال می‌خواست تا افغانستان به حیث یک کشور آزاد و مستقل روابط خوب با کشورهای همسایه و جهان داشته باشد، از همین رو کوشید تا روابط دیپلماتیک افغانستان با جهان توسعه یابد.
شهید میوندوال از توسعه‌طلبی کمونیزم به رهبری اتحاد شوروی وقت و نیات شوم آن کشور در مورد افغانستان نگران بود و تلاش می‌ورزید تا از نفوذ غیر مشروع اتحاد شوروی در افغانستان و نشر افکار کمونیستی در کشور جلوگیری شود.
میوندوال با وجود مصروفیت‌های رسمی سروکارش را با قلم و نویسنده‌گی ادامه داده و به امور فرهنگی توجه خاصی داشت.
مرحوم محمد هاشم میوندوال خواهان برقراری عدالت اجتماعی و از بین بردن فقر و عقب‌مانده‌گی از کشور بود و در این راه تلاش و مبارزهٔ فراوان کرد.
شهید میوندوال وصیت کرده بود که دارایی شخصی او به شمول خانهٔ شخصی‌اش پس از وفات او به بیت المال سپرده شود.
جریان‌های کمونیستی طرفدار شوروی در افغانستان محمد هاشم میوندوال را یکی از موانع عمده در مقابل نفوذ روز افزون افکار کمونیستی در افغانستان می‌پنداشتند، از همین سبب، پس از کودتای ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ هـ. ش. با طرح توطئه او را به زندان انداخته و پس از مدت کوتاهی مظلومانه به شهادت رساندند.
ما وطن خود را دوست داریم و به شخصیت‌های وطندوست و خدمتگار افغانستان ارج گذاشته در حق شان دعا می‌کنیم.
محمد هاشم میوندوال پس از شهید استاد منهاج الدین گهیځ اولین شخصیت بارز افغانستان بود که توسط کمونیست‌ها به شهادت رسید.
ملت افغانستان خدمات شهید محمد هاشم میوندوال را به خاطر ترقی و تعالی وطن عزیز همیشه به یاد خواهد داشت.





شاگردان صنف به دو دسته تقسیم شوند، دستهٔ اول در مورد فعالیت‌های فرهنگی شهید محمد هاشم میوندوال و دستهٔ دوم در مورد خدمات سیاسی وی با هم گفتگو نموده و نتیجهٔ مناقشه را با همصنفان خویش در میان بگذارند.



۱- محمد هاشم میوندوال کی بود و در کجا به دنیا آمد؟
۲- مهمترین وظایف شهید میوندوال را نام بگیرید.
۳- شهید میوندوال برای ترقی افغانستان چه خدماتی را انجام داد؟



شاگردان در مورد کارنامه‌های شهید میوندوال از بزرگان معلومات به دست آورده و آن را در صنف بیان نمایند.





ما چرا وطن خود (افغانستان) را دوست داریم؟

ما چرا وطن خود را دوست داریم؟ به خاطر چه ما همیشه در فکر پیشرفت و شگوفایی میهن خود می‌باشیم؟ چرا وطندوستی نشانهٔ وفاداری و جوانمردی به شمار می‌رود؟
در این درس به موضوعات یاد شده می‌پردازیم.

گنجینه‌های مادی و معنوی افغانستان

ما باید سپاسگزار و ممنون خداوند مهربان باشیم؛ زیرا که او از روی لطف و مهربانی بی پایان خویش مارا از نیستی به جهان هستی آورد، از نعمت حیات و زنده گی بهره مند ساخت، در یک سرزمین اسلامی به نام افغانستان، خلق کرد و به آیین انسان ساز اسلام هدایت فرمود.

وطن ما افغانستان، از نگاه طبیعی، یکی از زیباترین کشورهای جهان محسوب می‌شود. این کشور با کوه‌های شامخ و قله‌های پرشکوه، دریاهای خروشان، دره‌های سرسبز، جلگه‌های شاداب و دشت‌های هموار خویش، چشم هر بیننده‌یی را نوازش می‌دهد و قلبش را به تپش می‌آورد.



همچنان وطن ما از نگاه ثروت‌های زیرزمینی، یکی از غنی‌ترین کشورهای منطقه بوده، سنگ‌های پر بهایش شهرت جهانی دارد؛ چنانکه لعل بدخشانش ضرب المثل خاص و عام است. خاک افغانستان حاصل‌خیز و برای زراعت و تربیت حیوانات و دامداری مهیا می‌باشد. هوای افغانستان جان پرور، آبش گوارا، گیاه‌هانش مفید و معطر و میوه‌هایش لذیذ و خوشمزه می‌باشد.

افغانستان، به خاطرداشتن آب و هوای مساعد و داشتن مردمان با هوش و سخت‌کوش، از قدیم‌ترین زمانه‌ها گهوارهٔ تمدن‌های گوناگون بوده است؛ چنانکه «بلخ» آن از جملهٔ کهن‌ترین شهرهای تاریخ به شمار می‌رود.

سرزمین ما افغانستان، دانشمندان و نوابغی را در دامن خویش پرورانیده که کتاب‌ها، آثار و افکار آن‌ها در علوم و فنون مختلف، جزو افتخارات فرهنگ بشری و اسلامی به حساب می‌رود. دانشمندانی؛ همچون: امام اعظم ابو حنیفه، محدث و عارف بزرگ خواجه عبدالله انصاری، مغز متفکر امام ابو حامد غزالی، عالم نامور دوران ابو ریحان البیرونی، فیلسوف و طبیب نابغه ابو علی سینای بلخی، عارف بزرگ سنایی غزنوی، شاعر نام‌آور جلال الدین محمد بلخی، عالم و مبارز بزرگ پیر روشان، صوفی بزرگ رحمان بابا، مرد شمشیر و قلم خوشحال خان ختک، عالم بزرگ دین میا فقرالله جلال آبادی و بالآخره بیدارگر شرق علامه سید جمال الدین افغانی همه از سرزمین ما به پا خاسته اند.

ما افغانستان را دوست داریم

مردم افغانستان، مردم خداپرست، دیندار، آزادی خواه، استقلال طلب و به شدت وطندوست می‌باشند. این مردم به خاطر داشتن همین صفات نیک، هرگاه کشورشان مورد تهاجم دشمنان قرار گرفته یا با خطر مواجه گردیده، به صورت متحد و یکپارچه از آن به دفاع برخاسته اند؛ طوری‌که در اوایل قرن بیستم میلادی، امپراتوری انگلیس و در اواخر آن امپراتوری اتحاد شوروی را که برای اشغال وطن و پامال کردن افتخارات دینی و ملی ما هجوم آورده بودند، به شکست وا داشته، آن‌ها را از خاک خویش بیرون راندند.

وطن ما افغانستان به خاطر داشتن همین برازنده‌گی‌ها، در تارخ جهان به عنوان گورستان کشورگشایان شهرت یافته است؛ همچنان کشور ما با القابی؛ همچون: بام دنیا و قلب آسیا، مفتخر می‌باشد.

از همین جهت است که ما وطن خود افغانستان را دوست داریم و برای دفاع از حریم آن آمادهٔ هر نوع قربانی و فدا کاری می‌باشیم. ما با داشتن میهن اسلامی و مردم متدین، فداکار



و با استعداد، افتخار می کنیم. ما درس‌های خود را خوب می‌خوانیم و زحمت می کشیم تا به عناصر تعلیم یافته مبدل شده و برای آبادی و پیشرفت وطن خود کار کنیم.
وطندوستی نشانهٔ وفاداری و جوانمردی است. مردم افغانستان، همه باهم خواهر و برادر بوده، همدیگر را دوست دارند و یکدیگر را محترم می‌شمارند.

وطندوستی به معنای تنفر از دیگران نیست

البته نباید فراموش کنیم که، حب وطن به این معنا نیست که ما از ملت‌ها و کشورهای دیگر، متنفر باشیم و دیگران را تحقیر کنیم. ما جزو خانوادهٔ بشری هستیم؛ لذا به همهٔ انسان‌های صلح جو و بی ضرر احترام متقابل داریم، به خصوص به مسلمانان در هر جایی که باشند محبت می‌ورزیم و احترام می کنیم؛ به خاطری که اسلام همهٔ مسلمانان را خواهر و برادر یکدگر خوانده است. اگر کشورهای ما جدا است، قلب‌های ما یکی است. به گفتهٔ علامه محمد اقبال لاهوری (رح):

امر حق را حجـت و دعوا یکی است
خیمـه‌هـای ما جـدا دل‌ها یکی است
از حجـــاز و چیــن و ایــرانیم مـا
شبنـــم یک صبـح خنـدانیـم مـــا

یعنی: ما مسلمانان همه‌گی پیرو یک دین حق می‌باشیم که همانا اسلام است و دلیل حقانیت اسلام، در همه جا یکی است و هرچند جاهای زنده‌گی ما، جدا جدا است؛ اما دلهای ما یکجا است؛ گرچه ما در مناطق مختلفی؛ همچون: حجاز، چین و سایر کشورها و سرزمین‌ها زنده‌گی می کنیم؛ اما در حقیقت همه‌گی، به یک قطرهٔ شبنم تراویده در یک سپیده دم خندان و شاداب می‌مانیم که جدایی و نفرت در میان ما جای ندارد.



شاگردان به دوگروه تقسیم شده، هر گروه در بارهٔ افتخارات دینی و فرهنگی افغانستان به گفتگو بپردازند و در اخیر نتیجهٔ آن را از طریق نمایندهٔ خود در صنف تقدیم نمایند.





۱- چرا افغانستان در زمانه‌های قدیم، گهوارۀ علوم و تمدن‌های گوناگون بوده است؟
۲- مردم افغانستان پس از گرایش به دین اسلام،کدام خدماتی را به اسلام انجام دادند؟
۳- مردم افغانستان در اوایل و اواخر قرن بیستم کدام امپراتوری‌ها را شکست دادند؟
۴- افغانستان چرا به گورستان کشورگشایان شهرت یافته است؟
۵- حب وطن به معنای تنفر از دیگران نیست. این مطلب را تشریح نمایید.



یک مقاله در بارۀ حب وطن بنویسید که از ده سطر کم نباشد.





آزادی نعمت الهی و حق انسانی

مفهوم آزادی چیست؟ در ادوار گذشته وتمدن‌های بشری آزادی چگونه بوده؟ اسلام چگونه برای انسان آزادی بخشید؟ چگونه از آزادی‌های خود استفادۀ معقول نماییم؟ در این درس پاسخ این سؤال‌ها را مطالعه می کنیم.

مفهوم آزادی

خداوند متعال انسان را خلق کرد و با دادن عقل و اراده او را بر سایر مخلوقات برتری بخشید تا خالق خود را به یگانه گی پرستش کند و با عزت و کرامت و آزادی زنده گی نماید؛ اما دیده شده که انسان در ادوار مختلف تاریخ در نتیجۀ طغیان و سرکشی، بندۀ هوا و هوس خود گردیده، یا در اثر جهل و نادانی، اسارت و برده گی همنوع خود را قبول نموده است.

پس آزادی یک نعمت الهی و یک حق طبیعی برای انسان است که باید از این نعمت استفاده نماید وکسی این حق طبیعی و اساسی را از انسان سلب نکند.

آزادی از دیدگاه اسلام

دانشمندان و تمدن‌های بشری از آزادی برداشت‌ها و تعریف‌های مختلفی ارائه نموده اند؛ در بعضی مکاتب فکری ونظام‌های سیاسی جهان، آزادی‌های انسان کاملاً سلب گردیده، که دوران طولانی قرون وسطی در اروپا و نظام‌های سوسیالستی در قرن بیستم مثال‌های روشن این امر است.

اما بعد از دوران قرون وسطی و ظهور مفکورۀ لبرالیزم در غرب آزادی به صورت مطلق مطرح گردید و نتایج منفی زیانباری را برای انسان‌ها و جوامع بشری بار آورد که تا هنوز دامنگیر بشریت است.

دین مقدس اسلام در زمانی ظهور کرد که انواع برده‌گی و اختناق فکری دست و پای بشریت را به زنجیر کشیده بود. پیامبر اسلام مبعوث گردید تا بشریت را از هر گونه اختناق فکری و قید و بند برده‌گی آزاد سازد. به همین سبب بود که اولین کسانی که به دعوت اسلام و رسالت پیغمبر ﷺ لبیک گفتند برده‌گان و فقرا و مستضعفان بودند.

شعار مسلمانان در فتوحات اسلامی این بود که: «ما آمده ایم تا انسان‌ها را از برده‌گی و اسارت انسان‌ها نجات دهیم، تا تنها بنده‌گی خدا را داشته باشند». به سبب همین شعار آزادی و برابری بود که اسلام در مدت کوتاه به گوشه وکنار دنیا رسید و بشریت را از هر گونه اسارت و برده‌گی نجات داد.

چگونه از آزادی‌های خود استفاده نماییم؟

با وجود این که آزادی ازمقام بلند و اهمیت والایی برخوردار است؛ اما باز هم آزادی مطلق وجود ندارد؛ زیرا آزادی مطلق مخالف فطرت انسان است و انسان را ازمقام عالی انسانی به صف حیوانات پایین می‌برد؛ بنابرآن برخی علمای مسلمان آزادی را چنین تعریف نموده اند: «استفاده از حق خود، بدون آنکه به خود و یا به دیگران ضرر برساند».

هیچ کسی حق ندارد به نام آزادی به خودش ضرر برساند، به همین سبب انتحار و خودکشی و یا تعذیب جسم در اسلام حرام قرار داده شده است؛ همچنان انسان حق ندارد به نام آزادی به دیگران ضرر برساند؛ چنانکه گفته شده: «سرحد آزادی هر شخص تا آن جا است که به آزادی دیگران ضرر وارد نکند». یعنی همان گونه که کسی حق ندارد به آزادی کسی تجاوز کند، هیچ کس حق ندارد به آزادی دیگران تجاوز نماید.

مثال: یک شخص نمی‌تواند به نام آزادی سبب آزار و اذیت همسایۀ خود شود، و یا به نام اینکه وی آزاد است کثافات منزل خود را در راه عبور و مرور عامه بیندازد، یا این که



یک متعلم به نام آزادی در راه مکتب به دیگران نا سزا بگوید، یا به خانه‌های مردم سنگ بیندازد ویا میز، چوکی و لوازم مکتب را تلف کند. پس هر انسان مکلف است از آزادی‌های خود طوری استفاده کند که به آزادی‌های دیگران ضرر نرساند.

آزادی حقیقی آن است که انسان خود را از بند هوا و هوس آزاد سازد، حقوق خود و حقوق دیگران را بشناسد و آن را رعایت نماید. آزادی حقیقی آن است که انسان به کسی ظلم و تجاوز نکند و همچنان به کسی اجازه ندهد به او ظلم و تجاوز نماید. آزادی واقعی آن است که انسان در گفتن حق از هیچ کس نترسد، از مظلومان و بیچاره‌گان دفاع نماید و به کمک محتاجان و ضعیفان بشتابد.



شاگردان به سه گروه تقسیم گردیده، هر گروه در میان خود در بارهٔ اهمیت آزادی برای انسان گفتگو نمایند؛ سپس یک تن به نماینده‌گی از هر گروه صحبت نماید.



۱- وظیفه و مکلفیت انسان در روی زمین چیست؟

۲- وضعیت آزادی انسان‌ها در دوره‌های گذشته و در برخی از مکاتب فکری و نظام‌های بشری چگونه بوده است؟

۳- دین مقدس اسلام چگونه انسان‌ها را آزاد ساخت؟ شعار مسلمانان در فتوحات اسلامی چه بود؟ توضیح دهید.

۴- آیا آزادی انسان مطلق است؟ نتایج منفی و زیانبار آزادی مطلق چیست؟ توضیح دهید.

۵- در روشنایی آنچه در این درس خواندید، یک تعریف برای آزادی ارائه نموده، آن را تشریح کنید.



تحت عنوان: «از آزادی‌های خود چگونه استفاده نماییم» یک مقاله بنویسید.





اخوت اسلامی، اساس وحدت ملی

عوامل و عناصر وحدت ملی چیست؟ وحدت ملی برای یک ملت چه اهمیت دارد؟
اخوت اسلامی در تحکیم و تقویت وحدت ملی چه نقش دارد؟
در این درس جواب سؤالات فوق را مطالعه می کنیم و نقش اخوت اسلامی را در تحکیم وحدت ملی و همبسته گی ملت مسلمان افغانستان توضیح و تشریح می‌نماییم.

عناصر وحدت ملی

هرگاه به تاریخ کشورهای جهان نظر کنیم در می‌یابیم که مهمترین عوامل و عناصر وحدت ملت‌ها را: رابطهٔ نژاد و زبان، قوم و قبیله، دین و عقیده، فرهنگ و تاریخ، منافع اقتصادی و زنده گی باهمی تشکیل داده است.

البته نقش و تأثیر عناصر یاد شده در وحدت ملی ملت‌های جهان متفاوت می‌باشد؛ برخی ملت‌ها رابطه‌های نژاد و قوم و قبیله را اساس وحدت ملی خود قرار داده، بالای اقوام و ملت‌های دیگر دعوای برتری نموده و جنگ‌های نژادی را به راه انداخته اند.

برخی ملت‌ها بر اساس تفوق طلبی و منافع اقتصادی اقوام و ملت‌های دیگر را به استعمار کشیده، به غارت سرمایه‌های آنان پرداخته اند؛ اما هستند ملت هایی که با استفاده از



عناصر وحدت ملی زمینه‌های رفاه، ترقی، صلح و امنیت را برای خود و دیگران تقویت بخشیده اند.

نقش اخوت اسلامی در تأمین وحدت ملی

مردم افغانستان مشترکات زیادی دارند که باشنده‌گان این سرزمین را در ادوار مختلف به دور هم جمع نموده است. مهمترین مشترکات مردم ما دین مقدس اسلام، سرزمین، تاریخ، فرهنگ، زبان، زنده‌گی باهمی ومنافع مشترک می‌باشد؛ البته هریکی از این عناصر در وحدت ملی نقش دارد؛ اما اخوت اسلامی اساس وحدت ملی مردم افغانستان را تشکیل می‌دهد.

عقیدۀ اسلامی همۀ باشنده‌گان سرزمین ما را با داشتن اقوام و قبایل مختلف، فرهنگ و زبان و نژادهای گوناگون برادر یکدیگر می‌سازد. پس رابطۀ اخوت اسلامی نسبت به هر پیوند و رابطۀ دیگر مستحکم تر و پایدارتر می‌باشد.

اخوت اسلامی در میان همۀ افراد جامعه برادری و برابری، محبت و صمیمیت را بر قرار می‌سازد؛ زیرا یک مسلمان باید برادر مسلمان خود را به خاطر خدا دوست بدارد و چیزی را که برای خود می‌پسندد برای برادر خود نیز دوست داشته باشد.

اخوت اسلامی در میان افراد جامعه احساس همدردی را پیدا می کند و آن‌ها را در غم و شادی یکدیگر شریک می‌سازد؛ زیرا پیامبر گرامی ما می‌فرماید که: مسلمانان مانند پیکر واحد هستند که هرگاه یک عضو این جسم گرفتار درد و رنج شود، همۀ اعضای جسم احساس درد و رنج و بی‌قراری می کنند.

اخوت اسلامی، مردم مسلمان افغانستان را در حالات خطر و در برابر تجاوزات خارجی متحد ساخته، سبب شده تا همۀ افراد این سرزمین در پهلوی یکدیگر قرار گرفته و تجاوزگران را از میهن خود اخراج نمایند.

اخوت اسلامی در میان افراد جامعه صلح و آشتی، امنیت و همبسته‌گی را بر قرار می‌سازد و هرگونه بد بینی و دشمنی در میان مسلمانان را ناروا دانسته و آن را از بین می‌برد؛ زیرا شعار مسلمانان پخش سلام است و سلام دادن به معنای صلح، سلامتی و امنیت می‌باشد.

پس اخوت اسلامی، مهمترین عنصر وحدت ملی و سنگ تهداب همبسته‌گی، قوت، عزت، پیشرفت و ترقی مردم افغانستان به شمار می‌رود. هیچ عنصر و شعار دیگری؛ مانند عقیده و اخوت اسلامی نمی‌تواند مردم مسلمان این سرزمین را به دور خود جمع نماید.





شاگردان با رهنمایی معلم محترم در مورد دوستانی که در مکتب خود ویا بیرون از مکتب، بر اساس «برادری اسلامی» انتخاب نموده اند ابراز نظر کنند.



۱- مهمترین عوامل وعناصر وحدت کشورهای جهان را چه چیز هایی تشکیل می‌دهد؟
۲- کدام مشترکات، مردم افغانستان را در مراحل مختلف تاریخ به دور هم جمع نموده است؟
۳- در میان عناصر وحدت ملی مردم افغانستان کدام یکی مهمتر است؟
۴- اخوت اسلامی چه مفهوم دارد؟



هر شاگرد در بارهٔ این که پیامبر گرامی اسلام بعد از هجرت به مدینهٔ منوره چگونه اخوت اسلامی را در میان مسلمانان عملی ساخت یادداشت‌هایی را در کتابچهٔ خود درج نماید و روز بعدی آن را در صنف توضیح دهد.





قلب آسیا

افغانستان سرزمینی است باستانی که در قلب آسیا موقعیت دارد. به همین لحاظ از اهمیت خاصی برخوردار است. امنیت، صلح و ثبات افغانستان به معنای صلح وثبات در آسیا و منطقه است. موقعیت استراتیژیک افغانستان این سرزمین رابه نقطهٔ عطفی در جهان مبدل ساخته است. از همین جهت علامه محمد اقبال لاهوری افغانستان را به قلب آسیا تشبیه کرده، چنین می‌سراید:

در نهاد ما تب و تاب از دل است — خاک را بیداری و خواب از دل است
تن ز مرگ دل دگرگون می‌شود — در مساماتش عرق خون می‌شود
از فساد دل بدن هیچ است هیچ — دیده بر دل بند و جز بر دل مپیچ
آسیا یک پیکر آب و گل است — ملت افغان در آن پیکر دل است
از فساد او فساد آسیا — وز گشاد او گشاد آسیا
تا دل آزاد است آزاد است تن — ورنه کاهی در ره باد است تن
همچو تن پابند آیین است دل — مرده از کین زنده از دین است دل

علامه اقبال لاهوری



معرفی مختصر شاعر

محمد اقبال لاهوری، شاعر، فیلسوف و متفکر نواندیش اسلامی، در سال ۱۸۷۷ میلادی در سیالکوت پاکستان چشم به جهان گشود و در سال ۱۹۳۸ م. در لاهور چشم از جهان فرو بست.



وی پس از تعلیمات مقدماتی برای تحصیلات عالی شامل پوهنتون پنجاب در لاهور گردید و دورهٔ لیسانس و فوق لیسانس را در رشتهٔ فلسفه با احراز درجه اول به پایان رسانید. بعد از آن، تحصیلات خود را در پوهنتون کمبریج در انگلستان و پوهنتون مونیخ در آلمان تعقیب کرد و از پوهنتون مونیخ آلمان به اخذ سند تحصیلی دکتورا در فلسفه نایل گشت.

اقبال به چندین زبان تسلط داشت و به زبان‌های دری و اردو شعر می‌سرود، به خصوص به زبان دری اشعار زیادی سروده است که از بهترین‌های ادبیات دری به حساب می‌رود.

شرح شعر

شاعر توانای جهان اسلام علامه محمد اقبال لاهوری (رح) در این شعر که از هفت بیت تشکیل شده مطالب عالی و حقایق بزرگی را بازگو کرده که مفهوم آن به نثر ذیلاً بیان می گردد:

در بیت‌های اول، دوم و سوم، شاعر می گوید: شور و حرکتی که در درون ما وجود دارد از دل ما، یعنی روح ما سرچشمه گرفته است. جسم ما که اصلاً از خاک آفریده شده خواب و بیداری آن زیر فرمان دل، یعنی روح که نفخه یی از روح خدا است می‌باشد. بنابر این زمانی که دل بمیرد، تن خاکی ما نیز دیگرگون می‌شود و عرقی که در سوراخ‌های آن وجود دارد و نشانهٔ حرارت و زنده‌گی است به خون تبدیل می‌شود، یعنی تلخ و افسرده می گردد و از جنبش و حیات باز می‌ماند؛ زیرا زمانی که دل به فساد و تباهی می گراید، بدن هیچ و نابود می گردد؛ چون شریفترین و مهمترین بخش وجود انسان دل او است.

در بیت‌های چهارم، پنجم و ششم، شاعر، قارهٔ آسیا را به یک پیکر انسانی تشبیه نموده، ملت افغان را به مثابهٔ قلب و روح آن معرفی کرده و خاطر نشان می‌سازد که اگر ملت افغان فاسد و تباه شود، قارهٔ آسیا نیز در فساد و تباهی سقوط خواهد کرد و اگر حالت ملت افغان گشایش پیدا کند و بهتر شود حالت آسیا نیز در گشایش و بهبودی قرار خواهد گرفت؛



زیرا که آسیا جسم و افغانستان به مثابهٔ دل آن است و هر گاه که دل آزاد و از هر قید و بند رها و آباد باشد جسم هم آزاد، رها و آباد خواهد بود، ورنه پر کاهی خواهد بود در مسیر وزش باد که به هر طرف رانده می‌شود و ثبات و قراری نمی‌داشته باشد.

در بیت هفتم شاعر، به اهمیت دین، اخلاق و معنویت اشاره نموده، می‌افزاید: همچنان که جسم تابع دل است، دل نیز تابع دین می‌باشد و دل از کینه و حسد و افکار باطل می‌میرد و از دین و معنویت که هدیهٔ الهی است زنده و پایدار می‌ماند.



۱. شاگردان شعر را به نوبت بخوانند.
۲. شاگردان به نوبت در بارهٔ موقعیت افغانستان صحبت نمایند.
۳. شاگردان مفهوم شعر را به زبان ساده بیان کنند.



۱- از شعر اقبال چی آموختید؟
۲- بیت زیر چه معنا می‌دهد، توضیح دهید:

آسیا یک پیکر آب و گل است   ملت افغان در آن پیکـــر دل است

۳- با خواندن این شعر چی احساسی پیدا نمودید؟
۴- اگر بیتی در بارهٔ وطن به خاطر داشته باشید بخوانید.



شعری را که خواندید حفظ کنید.





یادی از شهید پوهاند غلام محمد نیازی

آیا تاهنوز نام شهید پوهاند غلام محمد نیازی را شنیده اید؟
وی یکی از شخصیت‌های برجسته و نامدار وطن ماست. آیا شما می‌خواهید مثل او یک شخصیت نامدار و پرآوازه شوید و مانند او مصدر خدمت برای وطن و هموطنان گردید؟
در این درس با گوشه‌هایی از زنده گی این مرد بزرگ آشنا می‌شویم.

تولد و نام

در سال ۱۳۱۱هـ.ش. در ولسوالی اندر ولایت غزنی در یک خانوادۀ متدین و علم‌دوست، طفلی چشم به جهان گشود. پدر و مادر این کودک از فرط محبتی که به پیغمبر بزرگوار اسلام حضرت محمد مصطفیﷺ داشتند، نام اورا غلام محمد گذاشتند.

تحصیلات

آن‌ها طفل خودرا برای فراگرفتن تحصیلات ابتدایی به «مکتب علی هجویری» که در همان ولسوالی بود، فرستادند. غلام محمد نیازی، چون یک طفل با استعداد و زحمتکش بود و درس‌های خودرا همیشه با علاقه و شوق می‌خواند و کار امروز را به فردا نمی‌گذاشت،



همه ساله نمرات عالی به دست می‌آورد. وی دورهٔ ابتداییه را با گرفتن درجهٔ اعلی به پایان رسانید و برای تحصیلات متوسطه و ثانوی به شهر کابل رفت و شامل مدرسهٔ دینی امام ابوحنیفه گردید.
غلام محمد نیازی به خاطر سخت کوشی و پشت کاری که داشت از مدرسهٔ مذکور نیز با کسب درجهٔ اعلی فارغ شد وجهت تحصیلات عالی به مصر اعزام گردید. وی در پوهنځی اصول دین «پوهنتون اسلامی الازهر» دورهٔ لیسانس وماستری را در علم حدیث تمام نموده، درسال ۱۳۳۶ هـ. ش. به وطن بازگشت نمود.

عودت به وطن و فعالیت‌های اداری وعلمی

شهید استاد غلام محمد نیازی، زمانی به وطن عودت نمود که به یک دانشمند لایق و متخصص در رشتهٔ علم حدیث تبدیل شده و به مدارج عالی دانش و کمال نایل گردیده بود، از این جهت به عنوان رئیس پوهنځی شرعیات پوهنتون کابل، برگزیده شد. وی در دوران تحصیل در مصر، با نهضت اسلامی، تماس برقرار کرد و با افکار و آرمان‌های آن آشنایی پیدا نمود.
شهید استاد غلام محمد نیازی، مرد بردبار، شکیبا، با وقار و بی ریا بود. استاد نیازی شیدای دین، شیفتهٔ دانش و عاشق وطن بود؛ لذا برای فدا کاری در راه اسلام و تلاش برای گسترش علم و خدمت به خاطر ترقی و سر افرازی وطن، کمر همت بست.

دعوت و روشنگری

وی در پهلوی تدریس وخدمات ارزندهٔ علمی، به دعوت و روشنگری در میان جوانان، استادان و طبقهٔ تحصیل کرده پرداخت. در آن زمان تعدادی از محصلان و جوانان تحصیل کرده و حتا عده یی از استادان، تحت تأثیر تبلیغات فریبندهٔ «کمونیزم» قرار گرفته با جانبداری از دولت اتحاد شوروی و فعالیت‌های ضد دینی، می‌خواستند به حیثیت، افکار و عقاید دینی جوانان وطن ما آسیب برسانند. استاد نیازی که در آن شرایط، خاموشی و بی‌طرفی را خلاف مسؤولیت دینی و ملی می‌دانست، وارد صحنهٔ مبارزات دینی و سیاسی گردید و با عده یی از استادان و محصلان، جریان «نهضت اسلامی افغانستان» را راه اندازی نمود.
وی به خاطر پخش و نشر تعالیم نجات بخش اسلام و بیداری نسل جوان به تلاش‌های پیگیر و فعالیت‌های شبانه روزی پرداخت. برخی از فعالیت‌های استاد، در این بخش عبارت بود از:



- شامل کردن مضامین دینی در سؤالات کانکور، برای ورود به پوهنتون.
- جلوگیری از الحاق فاکولتهٔ شرعیات با فاکولتهٔ حقوق که توسط بعضی‌ها به خاطر حذف شرعیات در حال عملی شدن بود.
- تأسیس مجلهٔ علمی و تحقیقی شرعیات.
- تأسیس مرکز تحقیقات اسلامی، در چوکات پوهنتون کابل.
- تدویر محافل تربیتی وکنفرانس‌های دینی.

زندانی شدن وشهادت

در همین اوضاع و احوال بود که سردار محمد داوود خان در سال ۱۳۵۲هـ.ش. با یک کودتای نظامی پسر کاکایش محمد ظاهر شاه را که پادشاه افغانستان بود، سرنگون کرد و قدرت را خود به دست گرفت. سردار داوود خان، با تحریک کمونیست‌ها که در دستگاه حکومت وی نفوذ داشتند، فعالیت‌های نهضت اسلامی را برای قدرت خود خطرناک تشخیص داد؛ لذا تعدادی از اعضای برجستهٔ نهضت اسلامی و در رأس پوهاند غلام محمد نیازی را دستگیر و به زندان افگند. رژیم داوودخان اول استاد نیازی را به اعدام محکوم نمود؛ اما بعد از تطبیق آن حکم منصرف شده، وی را به حبس ابد محکوم کرد.
شهید پوهاند نیازی، پس از این‌که چهار سال را در زندان سپری کرد، در سال ۱۳۵۷هـ.ش.، حکومت کمونیستی به کمک دولت تجاوزگر اتحاد شوروی به قدرت رسید؛ چون کمونیست‌های تازه به قدرت رسیده، با شخصیت‌های دیندار و وطندوستی؛ همچون استاد نیازی، کینهٔ دیرینه داشتند و وجود آن‌ها را مانعی بر سر راه بر نامه‌های خود می‌دانستند، اورا به طور ظالمانه و نا جوانمردانه به شهادت رسانیدند.
استاد غلام محمد نیازی، این عالم با عمل و دانشمند دلسوز و مبارز پرشور و شجاع، پس از تحمل شکنجه‌های طاقت فرسا وتحمل سال‌ها رنج و مشقت در زندان، به خاطر مبارزات اسلامی و فعالیت‌های وطندوستانه، جام شهادت نوشید و به پیشگاه خداوند مهربان و دادگر شتافت. روحش شاد و راهش پر رهرو باد.



شاگردان به دو گروه تقسیم شده، هر گروه به طور جداگانه در مورد شخصیت وکارنامهٔ شهید پوهاند نیازی، گفتگو و مباحثه نمایند؛ سپس نتیجهٔ آن را توسط نمایندهٔ شان پیش روی صنف ارائه دهند.





۱- چرا استاد غلام محمد نیازی در دورۀ تحصیل همیشه به درجۀ اعلی کامیاب می‌شد؟
۲- شهید استاد نیازی پس از بازگشت به وطن به چه کار هایی پرداخت؟
۳- چند صفت از صفت‌های خوب استاد نیازی را ذکر کنید.
۴ - داوود خان چرا استاد نیازی را به زندان افگند؟



در بارۀ شخصیت و کارنامۀ شهید پوهاند نیازی مقاله یی بنویسید که از ده سطر کم نباشد.









جهاد مردم افغانستان بر ضد تجاوز اتحاد شوروی

آیا می‌دانید که جهاد چه معنا دارد و مقام آن در اسلام چیست؟ چرا ملت مسلمان افغانستان بر ضد تجاوز دولت بزرگی به نام اتحاد جماهیر شوروی به جهاد پرداخت؟ چه عواملی باعث شد تا ملت ما در جهاد خود به پیروزی رسید؟
در این درس با این موضوعات آشنا می‌شویم.

منظور از جهاد چیست؟

جهاد در لغت به معنای تلاش و کوشش است و در اصطلاح عبارت از هر کوششی است که به خاطر حمایت از دین اسلام و ارزش‌های آن صورت می گیرد. اگر جهاد مطلق ذکر شود منظور از آن در شریعت اسلامی این است که هرگاه دین و مقدسات، یا سرزمین مسلمانان از طرف دشمنان مورد تجاوز قرار گیرد، آنان باید برای دفاع از دین و سرزمین خود از هیچ نوع سعی وتلاش و قربانی و فداکاری دریغ نورزند.
جهاد در راه دفاع از دین و حریم وطن وعزت و نوامیس ملی، به صورت جنگ‌های آزادی بخش و مسلحانه صورت می گیرد.



زمانی که دشمنان به دین و سرزمین مسلمانان حمله کنند، جهاد مسلحانه در راه خدا، از نظر اسلام یک فریضهٔ دینی و ایمانی محسوب شده، ثواب و پاداش خیلی فراوان دارد. خداوند متعال در قرآن کریم مجاهدان را به پیروزی در دنیا و به مقام والا و درجهٔ بلند در آخرت وعده کرده و کسانی را که در راه جهاد کشته می‌شوند، به نام شهید یاد نموده، آنان را به عالیترین مرتبه در بهشت مژده داده است.

جهاد مردم افغانستان در برابر اتحاد شوروی

جهاد در راه خدا هم نشانهٔ ایمانداری است و هم علامت وطندوستی. از همین جهت وقتی که دولت تجاوزگر اتحاد شوروی در ۶ جدی سال ۱۳۵۸هـ.ش. به کشور عزیز ما افغانستان حمله کرد و آنرا اشغال نمود، مردم مسلمان و سلحشور ما به خاطر دفاع از مقدسات دینی و استقلال و آزادی وطن خویش، به جهاد پرداختند. در این جهاد همهٔ شیرمردان و شیرزنان این میهن اسلامی به طور یکپارچه و متحدانه اشتراک ورزیدند.

دولت شوروی به خاطر حمایت از رژیم دست نشانده که در اثر کودتای خونین هفت ثور سال ۱۳۵۷ هـ. ش. به میان آمده بود، به وطن عزیز ما تجاوز کرد. دولت شوروی می‌خواست وطن مارا اشغال و با خاک خود ضمیمه نموده، به جای اسلام برنامه‌های بی‌دینی را در آن پیاده نماید.

دولت اتحاد جماهیر شوروی در این تجاوز، با هزاران تانک و توپ و طیارهٔ جنگی و دهها هزار عسکر مسلح و آموزش دیده مجهز بود؛ اما مجاهدان افغانستان جز اسلحهٔ عادی و امکانات اندک چیزی در اختیار نداشتند. جنگ میان مجاهدان از یک طرف و اردوی شوروی و کمونیست‌های[1] افغانی از طرف دیگر، ده سال دوام پیدا کرد.

۱- کمونیست‌ها گروهی بودند که از افکار و نظریات کارل مارکس یهودی، پیروی می‌کردند و به خدا و روز آخرت ایمان نداشتند. آنها در سال ۱۹۱۷م. به رهبری لینین در روسیه قدرت سیاسی را به دست گرفتند و پس از آن مناطق مسلمان نشین آسیای میانه و قفقاز و همچنان اوکراین، آذربایجان، ارمنستان و قسمت هایی از کشورهای اسکندناوی در اروپا را تحت اشغال خود در آوردند و آنها را به جمهوریت‌های خورد و کوچک تقسیم نموده از مجموع آنها اتحاد جماهیر شوروی را تشکیل دادند. آنان برای اشغال این کشورها و تطبیق اهداف و برنامه‌های کمونیستی خویش در این مناطق زیاده از بیست میلیون انسان بیگناه را به قتل رسانیدند. نظامی که در شوروی حاکم بود، بی‌نهایت بی رحم و ستمگر بود.
دولت اتحاد جماهیر شوروی برای اشغال افغانستان و ضمیمه نمودن آن با قلمرو خود به این کشور حمله کرد؛ اما سر انجام خودش با شکست مواجه گردید و در اثر آن شکست، اتحاد جماهیر شوروی نیز فرو پاشید و به پانزده جمهوریت جداگانه تجزیه گردید.



نتیجهٔ جهاد مردم افغانستان در برابر شوروی

در دوران جهاد، میلیونها نفر از هموطنان ما به شهادت رسیدند، معیوب و معلول گردیدند ومیلیونها نفر مجبور به ترک وطن شده به کشورهای دیگر مهاجرت کردند. بخش بزرگی از شهرها و آبادی‌های وطن ما ویران شد؛ اما سر انجام به یاری پروردگار، مجاهدین پیروز شدند و دولت شوروی که در آن وقت بزرگترین و قدرتمند ترین دولت جهان به حساب می‌رفت، شکست خورد و سرزمین مارا در هشت دلو سال ۱۳۷۸هـ. ش. با سر افگنده گی، ترک کرد. شکست شوروی در مقابل مجاهدین افغانی سبب فرو ریختن رژیم‌های کمونیستی در جهان گردید.

عوامل پیروزی مجاهدان در برابر شوروی

عواملی که باعث پیروزی مجاهدان و شکست کفار متجاوز گردید، عبارت بود از:

- ایمان قوی مجاهدان به خدا و روز آخرت.
- وحدت و یکپارچه گی ملی.
- عشق آتشین به وطن و حب استقلال و آزادی.

ما فرزندان متدین و وطندوست افغانستان، با الهام از پدران و نیاکان مجاهد خود، وطن و سرزمین خویش را دوست داریم و همیشه برای دفاع از دین و استقلال میهن خود با جان و مال آماده می‌باشیم.



شا گردان به دوگروه تقسیم شده، هر گروه در بارهٔ موضوع درس باهم گفتگو و مباحثه نمایند؛ سپس نتیجهٔ آن را توسط نمایندهٔ خود، در صنف ارائه کنند.



۱- جهاد چه معنا دارد؟

۲- منظور از جهاد در شریعت اسلامی چیست؟

۳- در زمانی که سرزمین مسلمانان از طرف دشمنان مورد تجاوز قرار گیرد، جهاد چه حکم دارد؟

۴- خداوند متعال به مجاهدین چه وعده کرده و به شهیدان چه مژده داده است؟



۵- اتحاد شوروی چرا به افغانستان حمله کرد و آن را اشغال نمود؟
۶- عواملی که باعث پیروزی مجاهدین و شکست دولت شوروی گردید چه بود؟



شاگردان یک مقاله در بارهٔ جهاد مردم افغانستان بنویسند که از ده سطر کم نباشد.





دین اسلام، اساس وحدت مسلمانان

وحدت و یکپارچه گی قوت است و تفرقه و بی‌اتفاقی، سبب ضعف و ناتوانی.
دین اسلام در ایجاد وحدت و اتحاد میان مسلمانان نقش بسیار مهم دارد.
در این درس در بارۀ نقش اسلام در وحدت مسلمانان معلومات حاصل می کنیم.

اسلام دین توحید است و پیروان خود را همواره به سوی اتحاد و همبسته گی دعوت نموده و آنان را از پراگنده گی و بی اتفاقی منع می کند.

قرآن کریم با تأکید بر اصل وحدت انسان‌ها مسلمانان را برادر خوانده است، به این معنا که، مسلمانان از هر قوم، نژاد و زبان در هر جایی که باشند باهم برادر اند و باید روابط آنان با یکدیگر بر همین اساس، یعنی اصل برادری استوار باشد.

برادر با برادر دوستی و محبت دارد و یکی برای دیگر خیرخواه می‌باشد.

از همین سبب است که در قرآن کریم و احادیث پیامبر ﷺ بار بار به این امر تأکید شده است که مسلمانان باید متفق و متحد باشند و کاری نکنند تا سبب تفرقه و چند پارچه گی صف آنان شود.

الله متعال در قرآن کریم مسلمانان را به وحدت امر نموده و می‌فرماید: ﴿وَاعْتَصِمُواْ بِحَبْلِ اللّهِ جَمِيعًا وَلاَ تَفَرَّقُواْ﴾ یعنی به دین اسلام چنگ بزنید و متفرق و پراگنده نشوید.

در آیت دیگری الله متعال مسلمانان را از نزاع و بی اتفاقی منع فرموده است؛ زیرا بی اتفاقی سبب ضعف و از بین رفتن نیرو و قوت مسلمانان می‌شود.

از نظر اسلام عقیده و ایمان قویترین رشته یی است که مسلمانان را با هم پیوند می‌دهد و هر قدر این رشته نیرومند باشد به همان اندازه وحدت و اتفاق میان مسلمانان قویتر می‌باشد.

ملت مسلمان افغانستان که متشکل از اقوام متعدد است با پیروی احکام و ارزش‌های دین مقدس و انسان ساز اسلام، در سایهٔ بیرق توحید و کلمهٔ مبارکهٔ «لا اله الا الله محمد رسول الله» متحد و یکپارچه زنده گی می کند.

فرزندان مخلص این سرزمین با درک وجیبهٔ اسلامی شان در برابر هر نوع تعصب و بی اتفاقی مبارزه نموده، اجازه نمی‌دهند که پراگنده گی و اختلاف در میان ملت واحد افغانستان راه یابد و سبب ضعف و تفرقهٔ هموطنان مسلمان ما شود.

دین و عقیدهٔ ما حکم می کند تا با هم برادروار زیست کنیم و در خوشی و غم یکدیگر خود را شریک دانسته و کاری نکنیم که خدا نخواسته سبب بی اتفاقی و ضعیف شدن وحدت ملی ما شود.



شاگردان به گروه‌ها تقسیم شده و هر گروه در مورد اهمیت اتحاد و اتفاق میان هموطنان عزیز ما با هم مباحثه نمایند.



۱- چرا اتفاق باعث قوت و پراگنده گی باعث ضعف ملت‌ها می‌شود؟
۲- قرآن کریم چرا مسلمانان را برادران یکدیگر خوانده است؟
۳- قویترین رشته یی که مسلمانان را با هم ارتباط می‌دهد چیست؟



شاگردان در بارهٔ «نقش اسلام در وحدت مسلمانان» مقاله یی بنویسند که از هفت سطر کم نباشد.





ملا فیض محمد کاتب هزاره

کشور عزیز مـا، افغانستان مهد شخصیت‌ها و دانشمندان نام‌آور است. به اثر تلاش‌هـای خسته‌گی ناپذیر آن‌ها کشور ما به مرحلهٔ کنونی رسیده است. ما یاد آن‌ها را تازه نگه می‌داریم و کارنامه‌های آن‌ها را سرمشق زنده‌گی خود می‌سازیم.

از جملهٔ دانشمندان، نویسنده‌گان، سیاست مداران و بزرگان ملی در این جا به معرفی نویسنده و مؤرخ کشور، روانشاد ملا فیض محمد کاتب هزاره می‌پردازیم.

ملا فیض محمد کاتب هزاره فرزند سعید محمد از اهالی ولایت غزنی و متولد سال ۱۲۸۹ قمری، یکی از تاریخ نگاران و نویسنده‌گان بزرگ کشور ما محسوب می‌شود. وی عضو گروه مشروطه خواهان بود. مدتی در زندان شیرپور محبوس بود و با آغاز عصر امانی از زندان رها گردید.



ملا فیض محمد کاتب هزاره مرد روشنفکر، نویسنده و محقق شهیر کشور است. وی یک روشنفکر تحول طلب بود که همراه با دیگر روشنفکران در آغاز قرن بیست، دست به مبارزه زد. اثر مشهور وی به نام «سرا ج التواریخ» یک منبع شایسته در زمینهٔ تاریخ قرن نوزدهٔ افغانستان به حساب می‌رود.

آثار مرحوم کاتب

۱- تحفة الحبیب

کاتب نویسندهٔ پرکار و مؤرخ عالمی بود که از طرف امیر عبدالرحمن خان برای تاریخ‌نگاری گماشته شد. وی کتاب ضخیمی در دو جلد به نام تحفة الحبیب مشتمل بر وقایع عصر احمد شاهی الی عصر عبدالرحمن خان را در۸۸۵ صفحه نوشت.

۲- سراج التواریخ

این کتاب یکی از نخستین کتاب‌های ضبط وقایع دولتی افغانستان شمرده می‌شود. این کتاب مشتمل بر پنج جلد می‌باشد که جلد اول و دوم آن مربوط به وقایع قبل از جنگ دوم افغان و انگلیس می‌باشد، جلد سوم آن به دورهٔ امارت امیر عبدالرحمن خان تعلق دارد، جلد چهارم کتاب سراج التواریخ مربوط به سال‌های اخیر امیر عبدالرحمن خان و دورهٔ امیر حبیب الله خان الی جلوس شاه امان الله خان غازی می‌باشد و جلد پنجم کتاب سراج‌التواریخ مشتمل بر احوال حکومت ده سالهٔ امیر امان الله خان است.

۳- فیضی از فیوضات

کتابی است در مورد تاریخ سیاسی افغانستان. به قول مرحوم علامه حبیبی، در کتاب موضوعاتی بوده که شامل یادداشت‌های خودکاتب است.



٤- تاریخ حکمای متقدمین از هبوط آدم (ع) تا بعثت حضرت عیسی (ع)

این کتاب برای صنوف رشدیه (ابتداییه) و به تصویب وزارت معارف در ۲۸۹ صفحه به طبع رسید.

٥- تذکرة الانقلاب

کاتب در این کتاب وقایع اغتشاش و سقوط سلطنت امانی را از چشم دید خود به طور روزنامۀ کوچک تحریر نموده است.

محمد سرور واصف کندهاری، فیض محمد کاتب و غلام محمد غبار سه مرد بزرگی بودند که در جملۀ سایر بزرگان، نخبه‌گان و وطندوستان از دیار کندهار، غزنه و کابل نام‌ها و کارکردهای شان درخور ستایش و قدردانی می‌باشد. هر سه مرد در جنبش مشروطه‌خواهی و استقلال افغانستان سهیم بوده اند.

نام کاتب هزاره و سایر علما و نویسنده‌گان کشور در صفحات تاریخ کشور ما ثبت است. کارکردها و مبارزات آن‌ها مشعل راه هر فرد این کشور خواهد بود.



شاگردان به گروه‌ها تقسیم شده، در مورد تألیفات و کارکردهای ملا فیض محمد کاتب صحبت نموده و نتیجۀ صحبت‌های خویش را توسط نماینده‌گان گروه به سایر شاگردان توضیح دهند.



۱ - ملا فیض محمد کاتب هزاره در کجا و در کدام سال تولد یافته است؟

۲ - اثر ارزشمند ملا فیض محمد کاتب چه نام داشته و اهمیت آن چیست؟

۳ - تألیفات ملا فیض محمد را نام ببرید.



شاگردان پیرامون زنده‌گی ملا فیض محمد کاتب یک مقاله بنویسند و در آن اهمیت سراج التواریخ را توضیح دهند.





صلح و بازسازی وطن

هموطنان ما طی سه ونیم دهۀ اخیر از اثر تجاوز خارجی و اختلافات ونبردهای ذات البینی خسارات زیادی را متحمل گردیدند؛ کشته شدند؛ به کشورهای همجوار و سایر کشورهای جهان به مهاجرت مجبور گردیدند و تعلیم وتربیه، زراعت ومالداری، تعمیرات، سرک ها، صنعت و غیره، نه تنها از پیشرفت دور ماند؛ بلکه با تخریب و ویرانی مواجه شد.
در این زمان، از او لویت‌های مهم کاری ما تحکیم صلح وبازسازی وطن است.
صلح و بازسازی در یک کشور چه اهمیت دارد و ارتباط میان این دو چیست؟ بیایید که در مورد آن در این درس معلومات حاصل نماییم.

صلح و امنیت ضرورت مبرم جامعۀ بشری است، در صلح عبادت الله متعال به وجه احسن و بهتر انجام می‌شود، علوم توسعه و اشاعت می‌یابد، مسلمانان به طور آزاد به سوی دین الله دعوت می‌نمایند، جان ومال مردم در امان می‌شود وآن‌ها در حالت اطمینان و سکون از همه نعمات زنده‌گی لذت می‌برند.
جنگ و اختلاف بدبختی می‌آفریند، میان مردم جدایی و نفرت می‌آورد، کشور را ویران می‌سازد، به تعلیم و تربیه زیان می‌رساند، مرض و گرسنه‌گی را ایجاد می‌کند و هر بخش

زنده‌گی را زیانبار می‌گرداند.
الله متعال در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَالصُّلْحُ خَيْرٌ﴾ (النساء ۱۲۸) یعنی: و صلح بهتر است.
بلی، هرگاه بر خاک وارزش‌های دینی مسلمانان تجاوز صورت گیرد وبرای جلوگیری آن‌ها بدون جنگ راه دیگری نباشد، پس چنین جنگ را جهاد می‌نامند و پیش بردن آن طبق احکام اسلامی، باعث ثواب زیاد می‌گردد.
اما جنگ‌های ذات البینی وکشتن برادران و خواهران مسلمان، یک کار حرام وناروا بوده ودر طول تاریخ هرگاه چنین کاری رخ داده، مسلمانان بر آن افسوس نموده و باعث پشیمانی وعقب‌مانی ایشان گردیده است.
برای از بین بردن اختلافات ذات البینی بهترین راه، صلح و شورا می‌باشد که بدون زیان، زور وجبر مشکل را حل می‌سازد.
اگر در کشور صلح و امنیت بر قرار باشد، مردم به فراگیری علوم در فضای آرام توجه نموده و در آبادی کشور سهم فعال می‌گیرند، مکاتب، پوهنتون ها، شفاخانه ها، عمارت‌ها، پل‌ها وسرک‌ها ساخته می‌شود، بندهای برق، نهرها وجوی‌ها برای زراعت آماده می‌شود و بازسازی به وجود می‌آید. در نتیجه کشور ما به پای خود ایستاده شده، از احتیاجات دیگران رهایی می‌یابیم و ضرورت‌های زنده‌گی را به بازوهای خویش آماده می‌سازیم.
شاگردان عزیز! چنانچه الله متعال صلح را می‌پسندد، همچنان آبادی زمین را از ما طلب نموده و دوست دارد که بر بندهٔ خویش نشانه‌های نعمت را مشاهده کند. سرسبزی زمین وخوشبختی مردم پیام اسلام است.
نفرت وفساد از نظر اسلام مردود بوده، کشتن و ویرانی در قرآن کریم، کار نافرمانان محسوب شده است.
پس بیایید که مردم را به صلح دعوت نماییم وبه بهانه‌های کوچک از ریختاندن خون مسلمانان، ایشان را برحذر داریم، به جای جنگ و اختلاف در آبادی وطن جد وجهد نماییم تا با سربلندی تمام، در میان اقوام جهان زنده‌گی کنیم.



شاگردان اهمیت صلح و زیان‌های جنگ را به نوبت بیان نمایند.





۱- اهمیت صلح را بیان نمایید.
۲- زیان‌های جنگ‌ها واختلافات ذات البینی رابگویید.
۳- در مورد صلح هدایت قرآنی را با ترجمه بنویسید.
۴- میان جهاد وجنگ‌های ذات البینی فرق چیست؟
۵- ارتباط بین صلح و بازسازی را بیان نمایید.
۶- در مورد آبادی کشور وخوشبخت ساختن مردم حکم اسلام چیست؟



هر شاگرد در قریه و محل خویش یک خدمت عملی را انجام داده و در درس آینده گزارش آن را تقدیم نماید، این خدمت می‌تواند: جاروب کردن مسجد، پاک کردن مکتب، کوچه و محل بود و باش، جمع کردن اشیای اذیت کننده، پلاستیک وبوتل‌ها از پیاده روها وغیره باشد.





سهم‌گیری در آبادی کشور وجیبهٔ دینی و ملی ما است

کشور ما افغانستان، به خاطر جنگ‌های پیهم گذشته، از کاروان پیشرفت و ترقی عقب مانده است. ما باید وطن خود را آباد کنیم و آن را به شاهراه ترقی و کمال سوق دهیم. این کار هم یک مسؤولیت دینی است و هم یک مکلفیت ملی. در این درس با مفاهیم بالا آشنا می‌شویم.

آباد کردن زمین یکی از اهداف آفرینش

یکی از اهداف خلقت وپیدایش انسان اعمار و آبادی زمین و استفاده از نعمت هایی است که خداوند متعال آن‌ها را برای استفادهٔ انسان خلق کرده است. قرآن کریم دراین باره می‌فرماید:

﴿هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا﴾ (سورهٔ هود).

یعنی (خداوند) شما را از این زمین آفرید و شما را به اعمار آن مکلف ساخت.

بنابراین آیت کریمه، کار و تلاش به خاطر آبادی زمین وجیبهٔ دینی هرانسان مسلمان است. دستورات اسلامی زیادی وجود دارد که در آن‌ها به کارهایی که فایدهٔ آن به مردم می‌رسد، امر شده است؛ مانند: غرس نهال، کشت و زراعت، ساختن راه ها، پل ها، مساجد، مکاتب و مدارس، حفرچاه‌های آب، جوی ها، کاریزها وغیره.



کار برای آباد کردن دنیا صدقۀ جاریه است

کار و زحمت به خاطر آبادی زمین یک عملیۀ دوامدار است وتا روز قیامت ادامه دارد. رسول اکرمﷺ درحدیثی می‌فرمایند: اگر قیامت برپا شد و در دست یکی از شما نهالی بود، باید آن را غرس نمایید.

تلاش برای آبادی زمین، علاوه از فواید دنیوی، پاداش اخروی نیز دارد؛ زیرا که این کار بهترین صدقۀ جاریه به شمار می‌آید که مطابق به حدیث شریف اجر همیشه‌گی آن به کسانی که درآن کارها سهم داشته اند، حتی پس از مرگ شان می‌رسد.

با درک همین مکلفیت شرعی بود که مسلمانان پیشین با پشتکار و تلاش مستمر یکی از بزرگترین تمدن‌های بشری؛ یعنی تمدن اسلامی را اساس گذاشتند که در اثر آن زمینه برای اکتشافات وتحولات و ابتکارات امروزی، در رشته‌های مختلف علوم و تکنالوژی به وجود آمد.

مسؤولیت ما، در اعمار وطن

ما افغان‌ها به حکم دین مقدس اسلام باید در اعمار و آبادی وطن عزیز خود مخلصانه کوشش نماییم. سعی و تلاش برای آبادی وترقی و تعالی کشور، نه تنها یک مسؤولیت ملی محسوب می‌شود؛ بلکه یک وجیبۀ اسلامی و دینی نیز می‌باشد.

باید توجه داشت که عزت و سرفرازی مسلمانان درگرو قوت و نیروی آن‌ها است و پس از نیروی ایمان و وحدت مسلمانان، ترقی وپیشرفت اقتصادی بزرگترین نیرو و قوت آن‌ها است. پیامبر اکرم ﷺ مسلمان قوی را در نزد خداوند ﷻ محبوبتر از مسلمان ضعیف خوانده است. از این‌رو، برما لازم است تا درآبادی و ترقی وطن عزیز خود و نیرومندی آن با جدیت و جان نثاری بکوشیم تا مردم و کشور ما در بین ملل جهان جای مناسبی را احراز نمایند.



کار برای دنیا و آخرت از نظر اسلام

علمای بزرگ اسلام گفته اند: کارهای دنیوی را چنان انجام دهید که گویا دایم زنده هستید و کارهای اخروی راچنان انجام دهید که گویا فردا می‌میرید. در آبادی زمین باید کارها را طوری انجام دهیم که گویا دایم زنده هستیم، تا نسل‌های

بعدی از آن مستفید شده بتوانند، یعنی در کارهای آبادی باید منافع درازمدت آن را در نظربگیریم؛ چنانکه ما امروز از کارهایی که گذشته‌گان ما انجام داده اند مستفید می‌شویم، پس ماهم باید با پیروی از شیوۀ نیاکان خود کارهایی را در ساحۀ عمران و آبادی کشور خود انجام دهیم که هم در زمان ما مفید باشد و هم برای نسل‌های بعدی سهولت‌های زنده‌گی را فراهم سازد.

آبادی زمین و تهیۀ وسایل خوب، خانۀ خوب و محیط زنده‌گی خوب، پاک، نظیف و مجهز باتمام وسایل ضروری زنده‌گی، خواستۀ اسلام از مسلمانان بوده عبادت شمرده می‌شود و موجب آسایش ما در دنیا و اجر و ثواب زیاد در زنده‌گی اخروی می‌گردد؛ زیرا عبادت به معنای عام آن به هرکار و خدمتی گفته می‌شود که به اساس امر اسلام و نیت خدمت به مردم انجام شود.



شاگردان به دوگروه تقسیم شوند، گروه اول درمورد اهمیت دنیوی وگروه دوم در مورد ارزش اخروی آبادی بحث کنند؛ سپس یکدیگر را به وسیلۀ نماینده‌های گروه در نتیجۀ بحث شریک سازند.



۱ - هدف ومفهوم آیت «هوأنشاءکم من الأرض واستعمرکم فیها» چیست؟ مختصر توضیح دهید.

۲ - معنای حدیثی را که در مورد نهال‌شانی خواندید بیان کنید.

۳- صدقۀ جاریه چه را می‌گویند و چرا آباد کردن زمین صدقۀ جاریه حساب می‌شود؟

۴- کار برای دنیا و آخرت را واضح سازید.



شاگردان با بزرگان فامیل و یا قریه شان در مورد ضرورت بازسازی و آبادی گفتگو نمایند و خلاصۀ آن را در یک مقاله تحریر کنند.



حقوق و مسؤولیت‌های متقابل افراد جامعه

از آن جا که خداوندﷻ انسان را موجود اجتماعی خلق کرده است، هیچ‌کس به تنهایی نمی‌تواند ضرورت‌ها و نیازمندی‌های خود را برآورده سازد، بنا براین انسان‌ها باید با همدیگر در تعاون و همکاری متقابل قرار داشته باشند.

اینجاست که مسألهٔ حقوق و مسؤولیت‌های متقابل در جامعه به میان می‌آید. افراد جامعه بالای همدیگر حقوقی پیدا می‌کنند که باید از هردو طرف، رعایت شود و در برابر این حقوق مسؤولیت‌هایی بر عهدهٔ شان می‌افتد که باید در ادای آن غفلت نورزند. ما که جزئی از جامعه می‌باشیم، باید با این مفاهیم آشنا شویم تا با توجه وعمل به آن‌ها در رفاه وسعادت جامعه تأثیرگذار باشیم. درس امروز ما، بر محور همین موضوعات می‌چرخد:

حقوق و مسؤولیت‌های متقابل چیست؟

منظور از حقوق متقابل این است که افراد یک جامعه چه خورد باشند و چه بزرگ، چه زن باشند و چه مرد، چه خویشاوند باشند و چه بیگانه، چه همسایه باشند و چه دور، همه بر یکدیگر حقوقی دارند و همه از یکدیگر توقعاتی می‌داشته باشندکه باید این حقوق و توقعات برآورده شود.

منظور از مسؤولیت‌های متقابل این است که هر کدام از این افراد، در برابر یکدیگر بعضی



مسؤولیت‌ها و مکلفیت هایی نیز دارند که با استفاده از حقوق ذکر شده باید آن‌ها را انجام دهند؛ یعنی در برابر هر حقی مسؤولیتی و در برابر هر مسؤولیتی حقی وجود دارد.

ادای مسؤولیت‌های متقابل، باعث سعادت و نجات جامعه

زنده‌گی مرفه وسعادتمند در یک جامعه، وقتی میسر می‌شود که افراد آن، حقوق و مسؤولیت‌های خود را درک نموده، برای به دست آوردن حقوق و انجام مسؤولیت‌های خود، کوشا باشند.

پیغمبر اکرمﷺ در حدیثی جامعه را به سرنشینان یک کشتی تشبیه کرده و فرموده است که اگر چند نفر از سرنشینان یک کشتی برای سوراخ کردن آن اقدام کنند، و دیگران احساس مسؤولیت نکنند و دست آن‌ها را نگیرند، آب آهسته آهسته داخل کشتی شده باعث غرق شدن کشتی و هلاکت همهٔ سرنشینان آن می‌شود؛ اما اگر سرنشینان کشتی احساس مسؤولیت کنند و دست خرابکاران را بگیرند، همه نجات پیدا می کنند و به‌طور سالم به منزل مقصود می‌رسند[1].

حقوق و مسؤولیت‌های متقابل والدین و فرزندان

از جملهٔ کسانی که حقوق و مسؤولیت‌های متقابل بر یکدیگر دارند فرزندان و وا لدین اند. حقوقی که فرزندان بالای والدین دارند و والدین باید در حد توان در ادای آن سعی کنند، این است که نخست از همه به تعلیم و تر بیه، صحت، لباس، خوراک و پوشاک آن‌ها باید توجه جدی نمایند و از عطوفت و مهربانی پدری و مادری آن‌ها را بهره مند سازند. والدین هم بالای فرزندان حقوقی دارند که فرزندان باید در انجام آن غفلت نکنند.

طور مثال: باید به والدین احترام بگزارند، به نصایح و مشوره‌های آن‌ها گوش فرا دهند، وقتی آن‌ها پیر و ضعیف می گردند، از آن‌ها دستگیری و حفاظت نمایند و در حق شان دایم دعای خیر کنند.

حقوق و مسؤولیت‌های متقابل شاگرد و معلم

غیر از پدر و مادر در بین شاگرد ومعلم نیز حقوق و مسؤولیت‌های متقابل وجود دارد:

---

۱ - صحیح بخاری، کتاب بدأ الوحی، حدیث شماره: ۲۴۹۳ چاپ شده در ضمن کتاب الفتح الباری.



حقوق شاگردان بالای معلمان این است که در تعلیم و تربیهٔ شاگردان مخلصانه بکوشند و تجربیات و اندوخته‌های خویش را به بهترین روش به ایشان انتقال دهند، و حقوق معلمان بر شاگردان این است که شاگردان به استادان خویش از صمیم قلب احترام بگزارند، به اندرزهای عالمانهٔ آن‌ها با دقت توجه نمایند، مطابق به رهنمایی‌های ایشان رفتار کنند و کارهای خانه‌گی خود را به‌طور احسن انجام دهند.

حقوق و مسؤولیت‌های متقابل همسایه‌گان

همسایه‌گان نیز بالای یکدیگر حقوق متقابل دارند و باید حقوق و مسؤولیت‌های همدیگر را که عبارت از تعاون و همکاری، احترام متقابل و ضرر نرسانیدن به همدیگر است، با اخلاص رعایت نمایند.

پیغمبر اکرمﷺ فرمودند: «کسی که همسایه‌اش از ضرر او در امان نباشد، مسلمان کامل نیست.»

حقوق و مسؤولیت‌های متقابل میان ما و وطن

ما در برابر وطنی که در آن زنده‌گی می‌کنیم؛ یعنی افغانستان، نیز حقوق و مسؤولیت ها داریم. در دامان این وطن متولد می‌شویم، از آب و خاک و هوای آن مستفید می گردیم و در آغوش آن به جوانی می‌رسیم. این‌ها حقوقی اند که در وطن خویش از آن‌ها مستفید می‌شویم.

بنابر این در برابر وطن نیز، مسؤولیت هایی داریم که باید در انجام آن غفلت و سهل‌انگاری نکنیم. از جمله باید به وطن محبت داشته باشیم، به ارزش‌های آن وفادار بمانیم، از قوانینی که در آن حاکم است فرمان ببریم، در آبادی، پیشرفت و ترقی آن با اتحاد کوشش نماییم و اگر خدای ناخواسته استقلال، آزادی، حیثیت و عزت آن مورد تاخت و تاز دشمن قرار گیرد، برای دفاع از آن از هیچ‌گونه فدا کاری و ایثار دریغ نورزیم. این است نشانهٔ حب وطن و علامت آزاده‌گی و جوانمردی.



شا گردان به دو گروه تقسیم شده یک گروه در بارهٔ حقوق ومسؤولیت‌های متقابل والدین و فرزندان وگروه دیگر در بارهٔ حقوق ومسؤولیت‌های متقابل معلم و شاگرد گفتگو و



مباحثه نمایند و نتیجهٔ آن را از طریق نمایندهٔ خود در صنف ارائه دهند.



۱- منظور از حقوق متقابل در میان افراد یک جامعه چیست؟
۲- مسؤولیت‌های متقابل در یک جامعه چه معنا دارد؟
۳- پیغمبر اکرمﷺ جامعهٔ انسانی را به یک کشتی تشبیه کرده است. در این باره روشنی بیندازید.
۴- حقوق ومسؤولیت‌های متقابل میان والدین و فرزندان را بیان دارید.
۵- حقوق و مسؤولیت‌های متقابل شاگردان و معلمان را بیان کنید.
۶- حقوق و مسؤولیت‌های متقابلی را که در میان همسایه‌گان وجود دارد بنویسید.
۷- مسؤولیت هایی را که ما در برابر وطن داریم توضیح دهید.



با استفاده از حدیث رسول اکرمﷺ که جامعه را به سرنشینان یک کشتی تشبیه کرده، یک مقاله بنویسید که از ده سطر کمتر نباشد.





استقلال و آزادی

استقلال از لحاظ سیاسی، به این معناست که یک کشور در وضع و اجرای قوانین و فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مربوط به خود از آزادی عمل برخوردار باشد و آزادی از نگاه سیاسی به این معناست که یک کشور بدون فشار و دخالت دیگران حق اقدام و انتـــخاب داشته باشـــد. در این درس با چگونه گی استرداد استقلال کشور از زیر سلطهٔ برتانیای کبیر، به طور مختصر آشنا خواهید شد.

استرداد استقلال کشور از اشغال انگلیس‌ها

مردم افغانستان روی احساس حب وطن و آزادی خواهی در سال ۱۹۱۹م. / ۱۲۹۸ هجری شمسی تحت زعامت مدبرانهٔ اعلی‌حضرت امان الله خان غازی با اتحاد و اتفاق در یک پیکار مقدس؛ ولی کاملاً نابرابر با سر دادن نعره‌های الله اکبر از هر گوشه و کنار میهن، در سه محاذ بر استعمارگران انگلیسی یورش بردند، صفوف آن‌ها را درهم شکستند و سر انجام استعمارگران را وادار به، به رسمیت شناختن استقلال کشور نمودند. ملت ما با تحمل قربانی‌های زیاد، استقلال کشور را دوباره به دســت آوردند و برای ما به ارث گذاشتند.

ترقی کشور پس از حصول استقلال

دولت افغانستان بعد از استرداد استقلال به مرحلۀ جدیدی قدم گذاشت و در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آن تغییرات قابل ملاحظه یی به وجود آمد؛ مثال: معارف کشور با مراکز علمی و فرهنگی جهان رابطه برقرار کرد وعلاوه بر آن به تأسیس صدها باب مکتب ابتداییه، ده‌ها باب لیسه، دارالمعلمین و مکاتب مسلکی در سراسر کشور اقدام شد.

در اثر سعی و تلاش علامه محمود طرزی پدر ژورنالیزم کشور، زمینه برای نشرات در کشور ما مساعد و محدودیت‌های گذشته از مطبوعات رفع شد، در پهلوی انتشار جراید و مجلات دولتی و غیر دولتی یک دستگاه کوچک رادیو نیز در کشور ما به نشرات آغاز کرد.

مسؤولیت ما در زمان کنونی

با گذشت زمان، وطن ما افغانستان فراز و نشیب‌های زیادی را دیده است. اکنون که وطن ما در مرحلۀ گذار از جنگ و ویرانی در جهت تفاهم، صلح، وحدت ملی و بازسازی در حرکت است، با اهمیت ترین درس برای ما به منظور رسیدن به آرزوها و فایق آمدن بر مشکلات، اتحاد همۀ نیروها و هماهنگی میان نیروهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی کشور است. ما باید همه در یک صف واحد قرار گرفته به خاطر آبادی وطن، استقرار صلح پایدار و خنثی نمودن دسایس و مداخلات خارجی، جد و جهد نماییم.



شاگردان به گروه‌ها تقسیم شوند و روی مطالب زیر باهم بحث نموده، نتیجه را نمایندۀ هرگروه به دیگران بیان نماید:

- استقلال یعنی چه؟
- آزادی یعنی چه؟



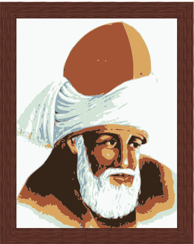
۱- افغانستان در چه وقت وتحت زعامت کدام پادشاه به استرداد استقلال نایل آمد؟ مختصر توضیح دهید.

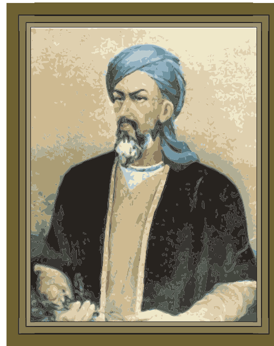
۲- بعد از استرداد استقلال، در کشور ما چه تغییراتی به وجود آمد؟ کوتاه توضیح دهید.

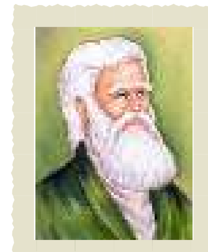


زیر عنوان «استقلال و آزادی» مطلبی بنویسید که از پنج سطر کم نباشد.







افغانستان مهد علم و تمدن

از گذشتهٔ علم و تمدن در کشور عزیز ما افغانستان چه می‌دانید؟
آیا با نام‌های دانشمندان مشهوری که از سرزمین ما برخاسته و برای بشریت خدمات ارزشمندی را انجام داده اند آشنا هستید؟
چگونه می‌توانیم مجد علمی و مدنیتی گذشتهٔ وطن عزیز خود را دوباره احیا کنیم؟
درین درس جواب سؤال‌های یاد شده را خواهیم خواند.

کشور عزیز ما افغانستان سابقهٔ علمی و مدنی درخشان دارد.
سرزمین ما زادگاه دانشمندان نامور و برجسته‌یی است که در عرصه‌های مختلف علم خدمات بزرگی را برای تمدن بشری انجام داده اند.
نام‌های دانشمندانی؛ چون: امام محمد غزالی، امام فخرالدین رازی، ابو ریحان البیرونی، ابن سینای بلخی، ابو نصر فارابی، مولانا جلال الدین بلخی، خواجه عبدالله انصاری هروی، عبدالحی گردیزی، سید جمال الدین افغانی، پیر روشان، میا فقر الله جلال آبادی، عبدالرحمان بابا و ده‌ها عالم دیگر این سرزمین و کارنامه‌های درخشان علمی آنان درج تاریخ تمدن بشری می‌باشد.

این دانشمندان که از این مرز و بوم برخاسته اند هر کدام در یک و یا چند رشتهٔ علم دست‌آوردهای مهمی دارند که در پیشرفت و غنامندی دانش و تمدن بشری نقش داشته است. بدون شک ظهور دانشمندان بزرگ و رونما شدن کارنامه‌های علمی ارزشمند توسط آنان از یک طرف نتیجهٔ زحمات و کوشش‌های شباروزی این علمای فرهیخته برای رسیدن به مدارج بلند دانش است و از جانب دیگر، محصول فضای علمی و وجود مراکز درس، تحصیل و تحقیق در آن زمان می‌باشد.

زیرا در جامعه‌یی که علم و ادب ارزش داشته باشد، افراد آن علم‌دوست و رهبران آن علم پرور باشند، علم رشد می‌کند و تمدن انکشاف می‌یابد.

شهرهای کهن و تاریخی؛ مانند: بلخ، هرات، غزنه، نیشاپور، سمرقند، بخارا، مرو، بست و غیره هر کدام از جملهٔ مراکز بزرگ علمی و تمدنی جهان به شمار می‌رفت و طلاب علم و معرفت از جاهای دور برای آموختن علم به آن‌جا رو می‌آوردند.

از این‌رو می‌توان گفت که وطن عزیز ما مهد علم و تمدن است و ایجاب می‌کند تا فرزندان افغانستان با فراموش نکردن تاریخ علمی و مدنیت سرزمین شان؛ مانند نیاکان خویش برای به دست آوردن علم و دانش مردانه کمر همت ببندند تا بار دیگر ملت ما مقام بلند علمی و گذشتهٔ خویش را به دست بیاورد.

ترقی و پیشرفت همه‌جانبهٔ کشور تنها از راه علم و معرفت ممکن است و باید همه با هم در راه آبادی و آرامی معنوی و مادی میهن عزیز خود سعی و تلاش به خرج دهیم.



شاگردان با کمک معلم محترم مضمون، در مورد گذشتهٔ علمی افغانستان با هم صحبت نمایند.



۱- تعدادی از دانشمندان نامور وطن عزیز را نام بگیرید.
۲- بعضی از شهرهای کشور را که در گذشته مراکز علم و تمدن بوده اند نام ببرید.
۳- چرا در گذشته، مردم برای کسب علم و دانش به سرزمین ما می‌آمدند؟

